

زبان بدن بی برنامگی!

حاشیه‌ها بر سر زبان بدن مسعود پزشکیان و دست به سینه بودن او هنگام گفت‌وگو با رجب طیب اردوغان ادامه دارد و رسانه‌های ترک این حرکت را نشانه قدرت ترکیه در منطقه تعبیر کرده‌اند

عصر

روزنامه تجاری اقتصادی
دوشنبه
۲۳ دی ۱۴۰۳ • ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۴۶ • 23 December 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و نود و سه
www.asrghanoon.ir



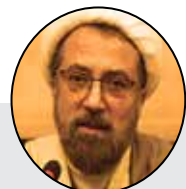
فلسفه اسلامی فرهنگ



فرهنگ مقوله‌ای اجتماعی است که تلقی جامعه‌شناسان از فرهنگ مستلزم و حاوی یک تلقی خاص از نحوه وجود است که البته همه تلقی‌ها از نحوه وجود فرهنگ هم یکسان نیست.

۳

لازمه تقابل با دشمن تقویت باورهای دینی جامعه



این اماکن عبادی و مقدس را کانون اصلی قدرت در دولت اسلامی توصیف کرد، چرا که این مراکز و اماکن به تقویت باورها و اعتقادات دینی مردم و نسل جدید کمک شایان توجهی می‌نمایند.

۴

اصل نصح؛ مبنای اخلاقی و مؤثر در تبیین



نصح به معنای همراهی دلسوزانه با مخاطب است، نه تقابل یا تحمیل نظر. این رویکرد، ضمن کاهش مقاومت مخاطب، احتمال پذیرش پیام را به شدت افزایش می‌دهد.

۴

گران کردن بنزین ظلم به مردم است



بخشی از مشکلات ناشی از دوستان اقتصاد خوانده‌ای است که به سیاست‌گذاران گرانی را تحمیل و تورم را بهانه می‌کنند؛ در حالی که تورم به دلیل بی‌تدبیری‌هاست.

۵

تمرکز جشنواره ۴۳ بر کشف چهره‌های تازه است



جشنواره فیلم فجر به عنوان یک پایگاه و مرجع مهم می‌تواند به ایجاد روحیه مضاعف در سینماگران کمک کرده و خصوصاً در جوان‌ها برای ادامه مسیر فیلمسازی ایجاد شوق، اشتیاق و علاقه کند.

۱

فساد ارتباط تنگاتنگی با قدرت دارد

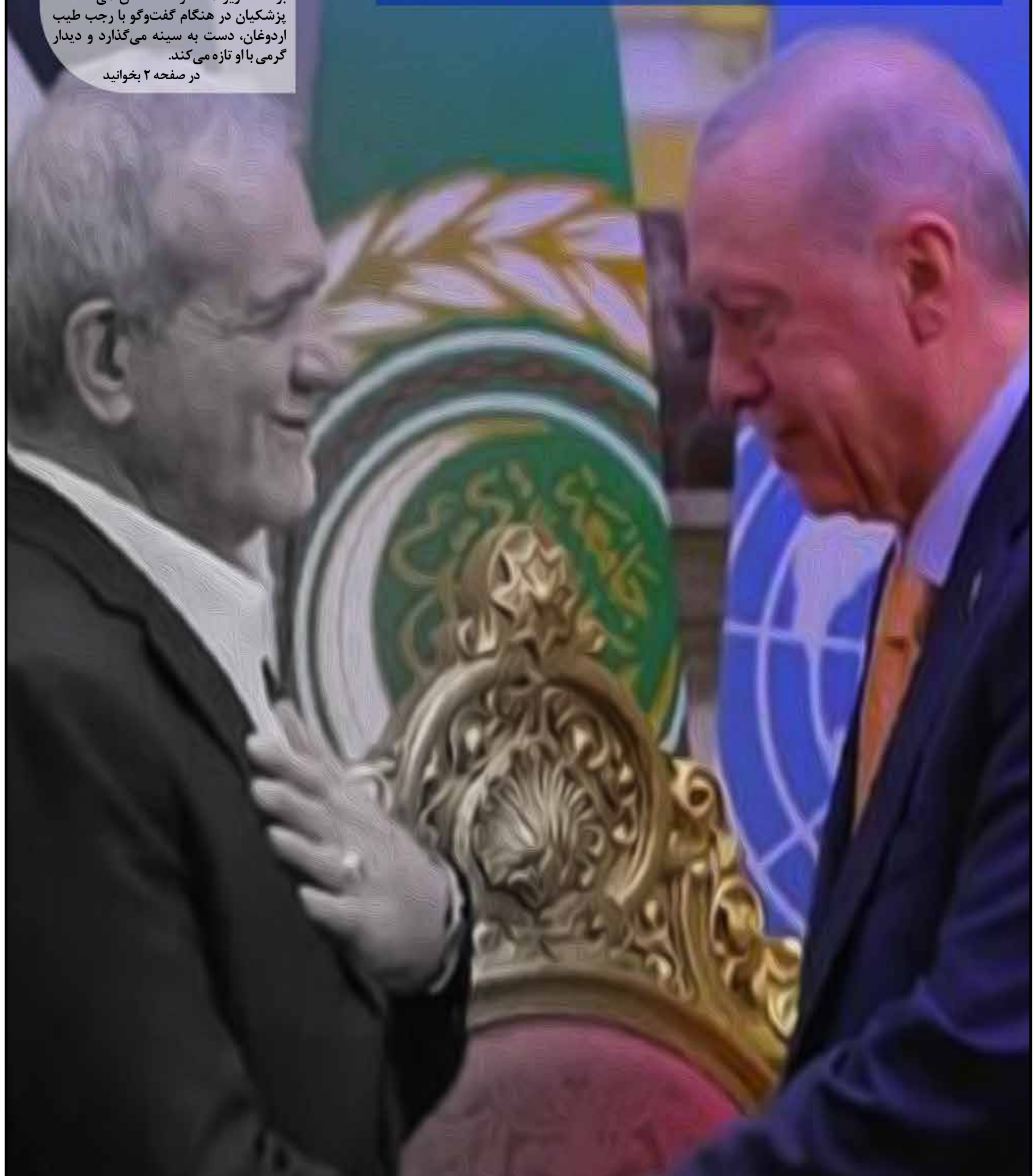


اساساً مسئله بد فهمیده شده است، ما درک درستی از علوم انسانی یا علوم اجتماعی در جامعه‌شناسی پیدا نکردیم. تصور این بود که مبانی پارادایمی در اتاق‌های در بسته تولید و بر اساس آن مسائل و مشکلات کشور حل شود.

۷

همان‌طور که حرکات و ژست‌ها در فرهنگ‌های مختلف معنای متفاوتی دارند در عرصه بین‌المللی هم هر حرکت با توجه به شرایط وقت می‌تواند حامل یک پیام مهم باشد. سفر رئیس‌جمهور به مصر پس از دوازده سال، یکی از رویدادهای مهم دیپلماتیک در سال‌های اخیر بود. فارغ از اهمیت «اصل حضور رئیس‌جمهور ایران در مصر» و «محتوای مطرح‌شده در اجلاس دی ۸» لنز دوربین‌ها روی حرکات بدن دیپلمات‌ها هم فوکوس سنگینی می‌کند. یکی از مواردی که به سرعت در فضای رسانه‌ای مورد توجه قرار گرفت، زبان بدن مسعود پزشکیان در حاشیه نشست دی-۸ بود. تصاویر منتشر شده نشان می‌دهد که پزشکیان در هنگام گفت‌وگو با رجب طیب اردوغان، دست به سینه می‌گذارد و دیدار گرمی با او تازه می‌کند.

در صفحه ۲ بخوانید



جمهوری اسلامی نیاز به نیروی نیابتی ندارد



ایشان در بیان نکته‌ای دیگر ناظر به تحولات منطقه، با اشاره به تظاهر عنصر صهیونی به پیروزی و رجزخوانی و گرافه‌گویی، گفتند: بدبخت‌ها، شما کجا پیروز شدید؟ آیا این پیروزی است که چهل و چند هزار زن و کودک را با بمب کشتید اما نتوانستید حتی یکی از اهداف اعلامی خود در ابتدای جنگ را محقق کنید؟ آیا حماس را نابود و اسرای خود را در غزه آزاد کردید؟ آیا با وجود به شهادت رساندن شخصیتی عظیم همچون سیدحسین نصرالله، نتوانستید حزب‌الله لبنان را از بین ببرید؟

رهبر انقلاب، مقاومت در منطقه اعم از حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی را زنده و بالنده خواندند و خطاب به صهیونیست‌ها گفتند: بنابراین شما پیروز نیستید بلکه شکست خورده‌اید.

ایشان پیشروی صهیونیست‌ها در خاک سوریه و اشغال مناطقی از آن را ناشی از نبود مانع و مقاومت حتی یک سرباز در مقابل آنها خواندند و گفتند: این حرکت بدون مانع، پیروزی نیست البته بدون تردید جوانان غیور و شجاع سوری شما را از آنجا بیرون خواهند کرد.

نکته سوم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره تحولات منطقه، ناظر به جنگ روانی و تبلیغاتی علیه ایران با ادعای از دست دادن نیروهای نیابتی در منطقه بود.

ایشان با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی نیروی نیابتی ندارد، گفتند: یمن، حزب‌الله، حماس و جهاد می‌جنگند چون با ایمان هستند و عقیده و قدرت ایمان، آنها را به میدان مقاومت آورده است، نه اینکه نیابتی از سمت ما داشته باشند.

رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی اگر هم روزی بخواهد اقدامی کند احتیاجی به نیروی نیابتی ندارد، افزودند: مردان مؤمن و شرافتمند در یمن، عراق، لبنان، فلسطین و ان‌شاءالله در آینده نزدیک در سوریه، در حال مبارزه با ظلم و جنایت و رژیم منحوس و تحمیلی صهیونیستی هستند، جمهوری اسلامی نیز مبارزه می‌کند و به خواست پروردگار این رژیم را از منطقه ازاله خواهیم کرد.

ایشان این سخنان را نه یک بیان سیاسی بلکه حقایق ملموس و تجربه‌شده خواندند و با اشاره به سربرآوردن مجموعه قوی و پولادین و شرافتمند حزب‌الله از دل اغتشاشات و جنگ‌های داخلی دهه ۶۰ لبنان خاطر نشان کردند: از دل آن تهدیدها و ناامنی‌ها، فرصت بزرگی همچون حزب‌الله لبنان سربرآورد و اتفاقاتی همچون شهادت بزرگان آن همچون سیدعباس موسوی نیز نه تنها آن را ضعیف نکرد بلکه قوی‌تر کرد و امروز و فردای مقاومت نیز همین‌گونه خواهد بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ایجاد فرصت‌ها از دل تهدیدها را در گرو هوشیاری، احساس مسئولیت و عمل به وظایف دانستند و با

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دبروز در نخستین سالروز میلاد سیده زنان دو عالم حضرت صدیقه کبری(س)، در دیدار هزاران نفر از مداحان و شاعران اهل بیت(ع) و قشرهای مختلف مردم، حضرت فاطمه زهرا(س) را الگوی کامل همه بشریت برای «قیام در راه حق، ایستادگی، شجاعت، صراحت و قوت منطق و استدلال» خواندند و با اشاره به تلاش دشمنان برای هراس‌افکنی، اختلاف‌افکنی و یأس‌افکنی در جامعه، تأکید کردند: خاصیت پیروان شیطان، گرافه‌گویی و دروغ‌پردازی است و چاره آن، جهاد تبیین و بیان حقایق و ارائه منطق قابل قبول.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با اشاره به محقق نشدن هیچ‌یک از اهداف رژیم صهیونیستی برای نابود کردن حماس و حزب‌الله، گفتند: ملت‌های شرافتمند منطقه، به فضل الهی رژیم منحوس را ریشه کن می‌کنند و فردایی بهتر را برای منطقه رقم خواهند زد.

رهبر انقلاب اسلامی با بیان نکاتی درباره مسائل منطقه از جمله مسئله سوریه، گفتند: یک گروه اغتشاشگر با کمک، نقشه و برنامه‌ریزی دولتهای خارجی توانست از از ضعفهای درونی سوریه استفاده کند و این کشور را به هرج و مرج بکشاند.

ایشان با اشاره به سخنان چندی قبل خود مبنی بر برنامه دوگانه آمریکا برای کشورهای منطقه یعنی «سلطت کردن یک حکومت فردی مستبد سازشگر با سلطه» و اگر ممکن نبود، «ایجاد اغتشاش و هرج و مرج در آن کشور»، افزودند: برنامه آنها در سوریه به ایجاد اغتشاش و هرج و مرج منتهی شد و اکنون آمریکا، رژیم صهیونیستی و همراهان آنها با احساس پیروزی، همچون اصحاب شیطان دچار گرافه‌گویی و حرف مفت زدن شده‌اند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، سخنان یک مقام آمریکایی را با مضمون پنهان «کمک و حمایت از هر کسی که در ایران اغتشاش کند»، نمونه‌ای از گرافه‌گویی‌های دشمنان دانستند و افزودند: احمق‌ها گویا بوی کباب شنیده‌اند اما ملت ایران هر کسی که مزدوری آمریکا را در این زمینه قبول کند، زیر گام‌های خود لگدمال خواهد کرد.



بی نتیجه، مثل گذشته!

آرشیو امنیت ملی آمریکا، به تازگی مجموعه جدیدی از اسناد محرمانه مربوط به برنامه هسته‌ای رژیم صهیونی منتشر کرده است که نشان می‌دهد، کمیته اطلاعات انرژی اتمی در دسامبر ۱۹۶۰ صریحاً و بدون ابهام اعلام کرده است، رژیم غاصب صهیونی در دیومنا ساخت سلاح هسته‌ای را آغاز کرده است و وقتی در اواخر دهه ۱۹۶۰ رژیم به آستانه تولید سلاح هسته‌ای می‌رسد، یک توافق مخفی بین ایالات متحده و رژیم برای در نظر گرفتن آن به عنوان کشوری دارای سلاح هسته‌ای غیر اعلام‌شده منعقد می‌شود! رژیمی که حالا با مجوز و صد البته کمک آمریکا کلاهک‌های هسته‌ای پر تعدادی دارد و حتی عضو آژانس انرژی نیست و برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد این رژیم از بمب‌های هسته‌ای ضعیف شده در جنگ غزه استفاده کرده و جهان و رسانه‌ها و مجامع بین‌المللی به سادگی از کنار آن می‌گذرند!

اما در مقابل در شورای امنیت سازمان ملل بار دیگر پرونده هسته‌ای ایران روی میز قرار گرفته است؛ ایرانی که به صراحت بارها اعلام کرده است هیچ قصدی برای ساخت سلاح هسته‌ای ندارد؛ ایرانی که گسترده‌ترین، طولانی‌ترین و بیشترین دسترسی‌ها را برای نظارت آژانس بین‌المللی هسته‌ای پذیرفته است؛ ایرانی که نه تنها عضو آژانس، آن‌پی‌تی است؛ بلکه به صورت داوطلبانه بارها محدودیت‌هایی فراتر از آن را نیز پذیرفته و به اجرا گذاشته است؛ اما با این حال باز هم شاهد هستیم که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها با بهانه و بی‌بهره تلاش می‌کنند مسیر دستیابی ایران به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را بگیرند و حتی به توافقی، مانند برجام که خود پای آن را امضا کردند، پایبند نیستند!

آمریکایی‌ها نه تنها از برجام خارج شدند و با وضع تحریم‌های یکجانبه کارزار فشار حداکثری علیه ایران را به راه انداختند؛ بلکه امروز نیز پارافراتر گذاشته و می‌خواهند مانع هرگونه فعالیت‌های نظامی مشروع ایران نیز شوند، چنانکه «اِبرتر وود» نماینده آمریکا در شورای امنیت، در جلسه اخیر ضمن ادعای آمادگی آمریکا برای استفاده از تمام ظرفیت‌های خود جهت جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، برنامه‌های موشکی و پهپادی ایران را نیز نگران‌کننده خواند! اروپایی‌ها نیز در این میان مانند همیشه پشت دست آمریکا بازی می‌کنند و تلاش می‌کنند از سازکارهای برجام که مدت‌هاست مرده، سوء استفاده کنند و به طور آشکار و پنهان ایران را به فعال‌سازی مکانیسم ماشه یا به عبارت ساده‌تر بازگشت تحریم‌های بین‌المللی ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد تهدید می‌کنند!

تهدیدی که اگر چه در ظاهر بزرگ و نگران‌کننده به نظر می‌رسد؛ اما در میدان واقعیت قطعاً شکست خواهد خورد، چنانکه «واسیلی نینزیا» نماینده روسیه در شورای امنیت سازمان ملل در جلسه ای می‌گوید: «اقدامات گذشته علیه ایران نتیجه عکس داشته و تلاش برای اعمال snapback نیز بی‌نتیجه خواهد ماند.»

علل زنده بودن مقاومت به مثابه مکتب فکری و سبک زندگی

محسن ردادی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی ۲۱ آذر ۱۴۰۳ خود به «تبیین و ترسیم» رخداد‌های سوریه پرداخت و موضوع «جبهه مقاومت» را نیز در همین چارچوب واکاوی کرد. مفهوم مرکزی سخنان رهبر انقلاب اسلامی این بود که «جبهه مقاومت» را بایستی به مثابه یک نظام فکری فهم کرد. پیروزی‌ها و شکست‌های جبهه مقاومت را با معیارهای مربوط به اندیشه و تفکر باید سنجید. تحلیل‌هایی که جبهه مقاومت را صرفاً مجموعه‌ای از سخت‌افزارها و رزمنده‌هایی می‌بینند که با رژیم صهیونیستی می‌جنگند، ناقص‌اند. جبهه مقاومت را می‌توان نوعی تفکر مبتنی بر اراده و باور قلبی دانست که فرد را به ایستادگی در برابر سلطه متعهد می‌کند. کسانی که سبک زندگی مقاومت را برگزیده‌اند، تلاش می‌کنند انتخاب‌هایشان در زندگی روزمره و گرایش‌های سیاسی آنها در جهت مبارزه با سلطه‌گران باشد.

دورکن اصلی سبک زندگی مقاومت، «اراده» و «شناخت» (بصیرت) است. به این معنا که اشخاص ملتزم به سبک زندگی مقاومت، به این شناخت (بصیرت) رسیده‌اند که قدرت‌های سلطه‌گر با زورگویی به دنبال تحت‌انقیاد درآوردن سایر ملت‌ها هستند. این افراد تصمیم گرفته‌اند در مقابل زورگویی و سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ بایستند. اراده قطعی این افراد، مقاومت در برابر سلطه‌گری است. آنها ایمان دارند که مبارزه با سلطه‌گران وظیفه‌ای است که خدا از آنها انتظار دارد و انتهای این مسیر، پیروزی است.

با توجه به تعریفی که از جبهه مقاومت ارائه شد، می‌توان فهمید که چرا ضعف و قوت این جبهه، وابسته به سخت‌افزار آن نیست. تاریخی که شناخت (بصیرت) و اراده در میان هواداران این تفکر وجود داشته باشد، این جبهه قدرتمند خواهد بود؛ حتی اگر افراد زیادی از این جبهه به شهادت رسیده باشند یا اینکه امکانات و تجهیزات این جبهه محدود باشد.

در این زمینه می‌توان سال ۱۳۶۰ را مثال زد. در آن سال رهبرانی از جبهه مقاومت همچون شهید بهشتی، شهید رجایی، شهید قدوسی، شهید باهنر و... از دست رفته بودند. دولت مستقر جمهوری اسلامی نیز به دلیل شهادت اعضای هیئت دولت، صدمه جدی دیده بود. حملات رژیم صدام نیز با قدرت ادامه داشت و منجر به از دست رفتن بسیاری از سرزمین‌ها شده بود. اما چون شناخت (بصیرت) و اراده مردم آسیب ندیده بود، جبهه مقاومت توانست بر این مشکلات غلبه کند. اکنون وضعیت جبهه مقاومت به آن دشواری سال‌های دهه ۶۰ نیست. مهم‌تر از تجربه دهه ۶۰ جمهوری اسلامی، روایت قرآن از جنگ احزاب است که نشان می‌دهد مجاهدان جبهه مقاومت، در مواجهه با سختی‌ها و چالش‌ها، ایمان و اراده‌شان قوی‌تر می‌شود: «هنگامی که مؤمنان [در نبرد خندق] گروه‌های دشمن را دیدند، گفتند: این است آنچه خدا و پیامبرش به ما وعده داده‌اند [که ثواب و پاداش عظیم روز بازپسین بدون تحمل سختی‌ها و سرفراز بیرون آمدن از آزمایش‌ها، میسر نیست] و خدا و پیامبرش راست گفته‌اند، و [جنگ خندق] جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود.» (سوره احزاب آیه ۲۲)

مشاهده سختی‌ها ناکامی‌ها، برای مجاهدان، نشانه‌ای از سوی خدا است که درستی مسیر آنها را ثابت می‌کند؛ مسیری پر از سختی و فشار، شهادت بزرگان، تهمت و سرزنش، که در انتهای آن پیروزی وجود دارد. اگر جبهه مقاومت را به مثابه مکتبی فکری بدانیم در این صورت، گسترش و تعمیق این تفکر در میان مردم را می‌توان ملاکی برای سنجش قوت و ضعف آن تلقی کرد. اکنون و پس از عملیات طوفان الاقصی در ۱۵ مهر ۱۴۰۲، جرأت



و جسارت مردم منطقه و دنیا برای مبارزه با سلطه‌گری افزایش یافته و شناخت آنها از صهیونیسم و نظام سلطه بیشتر شده است؛ تفکر مقاومت محبوبیت یافته و این به معنای گسترش فکری مکتب مقاومت است. در مقابل، اندیشه سازش و سلطه‌پذیری تضعیف شده است. پیمان صلح ابراهیم و روند عادی‌سازی، حداقل فعلاً کنار گذاشته شده است.

چه چیزی جبهه مقاومت را تضعیف می‌کند؟ عمومیت یافتن لذت‌جویی، تسلیم‌پذیری و بی‌تفاوتی نسبت به ظلم. اکنون منطقه و دنیا بیش از هر زمان دیگری به ظلم معترض است و مخالفت با سلطه و صهیونیسم را فریاد می‌زند. این یعنی قدرت جبهه مقاومت رو به افزایش است. به قول دیالوگی از سینما: «یک روز می‌آید که شجاعت مردان نابود می‌شود... اما امروز آن روز نیست! the courage off! می‌آید که شجاعت مردان نابود می‌شود... اما امروز men fails... but it is not THIS day»

زبان بدن بی برنامه!

این حرکت، اگرچه ممکن است در فرهنگ ایرانی عادی تلقی شود، اما در عرصه دیپلماسی بین‌المللی می‌تواند معانی مختلفی به همراه داشته باشد. قراردادن این قاب در کنار تحولات اخیر منطقه شدت این انتقادات را بیشتر می‌کند؛ آنچنان که رسانه‌های ترکیه‌ای این حرکت را به عنوان یک مانور قدرت برای اردوغان تعبیر کرده و سر دست می‌چرخاند در عرصه دیپلماسی، زبان بدن به اندازه سخنان و اقدامات رسمی اهمیت دارد. هر حرکت، نگاه یا ژست می‌تواند پیامی سیاسی یا فرهنگی را منتقل کند. این نکته‌ای است که باید به آن توجه ویژه داشت. عرصه دیپلماسی، گود زورخانه نیست که مرشد داشته باشد و کنده و جرگه‌زدن برای هر کسی پسندیده تلقی شود. بلکه هر حرکت باید حساب‌شده و در راستای اهداف مقرر باشد. منتقدان معتقدند که پزشکیان باید نسبت به تأثیرات رفتارشان در صحنه بین‌المللی آگاه‌تر باشند و در صورت نیاز، آموزش‌های بیشتری در این زمینه از جانب اعضای دستگاه دیپلماسی به او داده شود.

در شرایطی که حتی بعضی رئیس‌جمهور هم هنگام دیدن تصویر همسر مرحومش در اجلاس بین‌المللی خانواده به عنوان دستاویز سیاسی مورد انتقاد بخشی از سیاستمداران قرار گرفته و برای ساختن تصویری ضعیف از او برساخته می‌شود زبان بدن نامناسب او در سطح بین‌المللی می‌تواند افکار عمومی را بیشتر درگیر این مسأله کرده و تبعات منفی داخلی و خارجی به همراه داشته باشد.

فلسفه اسلامی فرهنگ

عباس حیدری پور- هادی بیگی- سید محسن شریفی

پنل سوم همایش ملی «فلسفه فرهنگ» با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، با موضوع «فلسفه اسلامی فرهنگ» با ارائه آقایان حجت الاسلام و المسلمین عباس حیدری پور با عنوان «دیدگاه استاد یزدان پناه در باب ماهیت و نحوه وجود فرهنگ»؛ دکتر هادی بیگی با عنوان «دیدگاه استاد پارسا در باب ماهیت و نحوه وجود فرهنگ»؛ و حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محسن شریفی و سرکار خانم دکتر الهه خانی آرانی با عنوان «گفتگو یا تعارض فرهنگ‌ها از منظر امام خمینی (ره)» توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در دانشگاه قم برگزار شد.

اضلاع دیگری مانند برخورداری از هویت انتشاری، مجموعی و غیربسیط، توحیدی ناشی از مزاج ترکیبی، سیال و فاعلی را نیز دارد.

همچنین دکتر هادی بیگی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات ارائه خود را با موضوع دیدگاه استاد پارسا در باب ماهیت و نحوه وجود فرهنگ عنوان کرد و گفت: یک ویژگی در کار علامه طباطبایی و علامه مطهری است برای اثبات بحث

پدیدارشناسی و ساختارگرایی؛ پدیدار شناسان به طور کلی دوگانه‌ها را حذف کردند، فرهنگ تنزل یافته حقیقت و معناست، این معناست که تنزل پیدا می‌کند و فرهنگ و ساختار اجتماعی می‌شود.

حجت الاسلام دکتر سید محسن شریفی (عضو هیات علمی دانشگاه قم) سخنران آخر این میزگرد در ابتدا گفت این مقاله توسط ایشان و سرکار خانم دکتر الهه خانی آرانی نگاشته شده و ایشان به نمایندگی ارائه خواهند داد. ایشان که عنوان ارائه‌شان «گفتگو یا تعارض فرهنگ‌ها از منظر امام خمینی (ره)» بود گفت: فرهنگ در دیدگاه امام خمینی «رأس جامعه و مغز متفکر» و از نگاه ایشان «مبدا همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌ها، سازنده و اصلاح‌گر جامعه و کلید سعادت و شقاوت جامعه» فرهنگ است. با این همه در بیانات امام خمینی گونه‌های مختلف فرهنگ وجود دارد. از جمله: «فرهنگ اسلامی، فرهنگ استعماری، فرهنگ وابستگی، فرهنگ شاهنشاهی و فرهنگ استقلالی». باید توجه داشت که فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی هر دو بر اساس مبانی نظری خود مدعی یک رسالت جهانی هستند. البته از دیدگاه امام قدس فرهنگ اسلامی برتر از فرهنگ غربی است و فرهنگ و تمدن غربی به جهت گرفتار بودن به آسیب‌های فراوان در حال فروپاشی و نابودی است. امام خمینی تمدن اسلامی مبتنی بر فرهنگ اسلامی را نیز بر تمدن‌های دیگر برتر می‌دانند و حکومت و معنویت آنها را ممتاز می‌دانند.

شریفی افزود: در خصوص نحوه تعامل فرهنگ اسلامی با دیگر فرهنگ‌ها خصوصاً فرهنگ غربی سه نگرش متفاوت در میان خبگان جهان اسلام وجود دارد. برخی بر این باورند که باید فرهنگ و تمدن غرب را به‌عنوان یگانه راه پیشرفت پذیرفت؛ گروه دیگر به نفي کامل تمدن غرب و دستاوردهای آن پرداخته و معتقدند ارتباط فرهنگ اسلامی با فرهنگ غرب



به آلودگی و انحراف تمدن اسلامی می‌انجامد. نگرش سوم مبتنی بر برقراری توتلی و تبری صحیح بین فرهنگ‌هاست و می‌گوید اگر رابطه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها عاقلانه و نقادانه باشد، سبب رشد و پیشرفت می‌شود. از آثار و سخنان امام خمینی برمی‌آید که اندیشه ایشان متناسب با قسم سوم است.

این پژوهشگر ادامه داد: عناصر و لوازم فرهنگ غربی شامل دو لایه اصلی است. لایه اول، شامل مواردی که بار ارزشی نداشته و یا بر مبنای معرفتی خاصی استوار نیستند، و لایه دوم شامل موضوعاتی که بار ارزشی دارند یا بر مبنای معرفتی خاصی استوارند. موضع حضرت امام در برابر فرهنگ غرب، موضع جداسازی است؛ یعنی معتقدند که بین معایب آن، مانند استعمار و غربزدگی، و محاسن آن مانند پیشرفت علمی غرب، جداسازی کرد و یکی نداشتند. از این رو مواردی از فرهنگ و تمدن غرب را پذیرفته و مواردی را نفي می‌کنند. حضرت امام از آن دسته متفکران و نظریه پردازانی بودند که توانسته بودند در میان نزاع سنت و تجدد، راه میانه و متعادلی را در پیش گیرند که در عین قبول مظاهر تجدد و پیشرفت مادی، عنصر معنویت و اخلاق در آن ذبح نشود. از نگاه امام خمینی، تفاهم و تضارب سالم اندیشه‌ها راه تبلیغ فرهنگ اسلامی است و بارزترین بستر صدور یک تفکر، نه جنگ و جنجال، بلکه گفتگوی اصولی و مبنایی با اهل اندیشه و تفکر، زیربنای صدور یک فرهنگ است که از آن می‌توان با عنوان لایه تفاهم فرهنگی و جایگاه گفتگوی فرهنگ‌ها در اندیشه امام خمینی یاد کرد.

وی در پایان اشاره کرد: نگاه دوم حضرت امام در برخورد با وجه منفی فرهنگ غربی است که بازگشت به اسلام را تنها راه مسلمانان در مقابله با سلطه جویی غربی می‌دانند. این نگرش امام خمینی را می‌توان لایه تقابل فرهنگی پنداشت که در برابر اندیشه و فرهنگ مسلط غرب در دوران معاصر که مبتنی بر اومانیتسم، فردگرایی و اصالت سود است، تقابلی و تعارض گونه است.



لازمه تقابل با دشمن تقویت باورهای دینی جامعه

محمد ملک زاده

تقویت باورهای دینی جامعه، لازمه تقابل با دشمن در جنگ روایت‌هاست
حجت الاسلام و المسلمین محمد ملک‌زاده در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری حوزه با یادآوری فرمایش بسیار مهم رهبر معظم انقلاب در سال ۱۴۰۰ مبنی بر این که ما اگر حقایق جامعه ایران و انقلاب اسلامی را روایت نکنیم، دشمن به روایت آن بر اساس امیال و غرایض خود می‌پردازد، اظهار داشت: از جمله مهم ترین الزامات و بایسته‌ها در جنگ روایت‌ها، تقویت باور و اعتقاد دینی مردم جامعه به خصوص نسل جوان است چرا که این باور و اعتقاد دینی و قلبی است که باعث می‌شود در فتنه‌ها و هجمه‌ها، مردم و جوانان همچنان پای انقلاب و کشور بمانند و از اصول و اعتقادات خود دفاع کنند.

عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه افزود: با توجه به اینکه دین عاملی بسیار مهم در راستای تقویت انسجام و اتحاد ملی و نیز تقویت و گسترش مشارکت‌های اجتماعی است، لذا از جمله شیوه‌های موفق تجربه شده در این امر، استفاده از پایگاه‌های دینی به منظور هدایت مشارکت‌های جمعی و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی بوده است.

عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه علمیه قم همچنین با بیان اینکه بر این اساس مساجد و اماکن اقامه مناسک عبادی همچون امامزادگان در تاریخ تشیع از پایگاه‌های مهم در هدایت برنامه‌های قرآنی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان بوده است، گفت: در واقع می‌توان این اماکن عبادی و مقدس را کانون اصلی قدرت در دولت اسلامی توصیف کرد، چرا که این مراکز و اماکن به تقویت باورها و اعتقادات دینی مردم و نسل جدید کمک شایان توجهی می‌نمایند.

وی بیان داشت: کارکردهای گوناگون امامزادگان به عنوان جایگاه عبادی، سیاسی و اجتماعی، آن را در کانون قدرت دولت اسلامی قرار داده است که از جمله این کارکردها، نماد اتحاد، همدلی و انسجام اسلامی بودن آن هاست؛ با توجه به این که این اماکن به عنوان مکانی برای عبادت و نماز جماعت است، این عمل نمادی از اتحاد و انسجام اسلامی را به نمایش می‌گذارد.

عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه خاطر نشان کرد: علاوه بر این، حضور مسلمانان در فضای گفتگویی این اماکن، فرصت مناسبی است تا آنان با مشکلات اجتماعی یکدیگر و آسیب‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی که جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، آشنا شوند، ضمن آن که فضای روحانی و معنوی این اماکن زمینه مناسب‌تری برای همدلی میان مسلمانان و رفع مشکلات اجتماعی را فراهم می‌نماید، از این رو باید گفت که این اماکن محل مناسبی برای انسجام بخشی و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و قرآنی در جامعه اسلامی می‌باشد.

اصل نصیح؛ مبنای اخلاقی و مؤثر در تبیین

محمد کاشانی‌زاده

گفتگو و روشنگری از مهم‌ترین ابزارهای هدایت و اصلاح در جوامع بشری هستند. موفقیت در این عرصه، صرفاً به توانایی استدلال و تسلط بر موضوعات وابسته نیست؛ بلکه اخلاق و نیت خالص نقشی بی‌بدیل در پذیرش و تأثیرگذاری پیام ایفا می‌کنند. در این میان، اصل «نصح» به‌عنوان یک مبنای اخلاقی و دینی، چارچوبی برای هدایت صحیح و اثربخش گفتگوها ارائه می‌دهد.

تعریف نصیح

واژه «نصح» در لغت به معنای خالص کردن، خلوص نیت و تلاش برای رساندن منفعت خالص به دیگران است. در متون اسلامی، نصیح به معنای خیرخواهی و تلاش برای هدایت همراه با دلسوزی و محبت تبیین شده است. در قرآن کریم نیز این مفهوم بارها مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه، حضرت نوح (ع) خطاب به قوم خود فرمود:

«أَلْعَلَّكُمْ رِيسَالَتِي وَرَبِّي وَأَنْصَحَ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف: ۶۲)؛ یعنی من پیام‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و خیر خواه شما هستم.

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که نصیح، جزئی جدایی‌ناپذیر از رسالت پیامبران الهی بوده است و آنان با خلوص نیت و محبت، تلاش می‌کردند مردم را به سوی حق هدایت کنند.

در ادبیات عرب، نصیح از ریشه‌های است که به خیاطی نیز اشاره دارد. خیاط، با دقت و ظرافت، پارچه‌ای را که نقص دارد، ترمیم می‌کند و در نهایت لباسی کامل و بی‌عیب ارائه می‌دهد. این استعاره نشان می‌دهد که ناصح نیز باید با ظرافت و احترام، به رفع عیب‌ها و اصلاح مسیر دیگران بپردازد؛ بدون آنکه عیب‌ها را آشکار کند یا به شخصیت مخاطب آسیب بزند.

نصح در نقد و گفتگو

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تجلی نصیح، نقد و مباحثه است. نصیح در نقد به معنای آن است که فرد ناصح، هدفی جز اصلاح و رشد طرف مقابل نداشته باشد. این رویکرد به جای آنکه مخاطب را در



نصیحت در جمع یا در زمانی که مخاطب آمادگی روحی ندارد، نه تنها اثر مثبت نخواهد داشت، بلکه ممکن است موجب مقاومت یا سرخورگی شود.

نقش نصیح در جهاد تبیین

در جهاد تبیین که به معنای روشنگری و مقابله با تحریف‌ها و شبهات است، اصل نصیح نقشی محوری ایفا می‌کند. در فضایی که دشمن تلاش می‌کند زنجیره‌های حق‌طلبی را قطع کرده و حقایق را وارونه جلوه دهد، نصیح به‌عنوان یک رویکرد اخلاقی و اثربخش می‌تواند اثربخشی پیام‌های روشنگرانه را افزایش دهد. در جهاد تبیین، نصیح به معنای همراهی دلسوزانه با مخاطب است، نه تقابل یا تحمیل نظر. این رویکرد، ضمن کاهش مقاومت مخاطب، احتمال پذیرش پیام را به‌شدت افزایش می‌دهد.

اصل نصیح، مبنای اخلاقی و مؤثر برای هدایت و اصلاح است. این اصل، راهی برای تبدیل گفتگوها و نقدها به فرصتی برای رشد و تعامل سازنده است. در جهاد تبیین، نصیح می‌تواند ابزاری کارآمد برای غلبه بر تحریف‌ها و شبهات باشد و مخاطبان را به سوی حقیقت جذب کند.

شرایط تحقق نصیح

تحقق نصیح در عمل، مستلزم رعایت چند شرط کلیدی است:

● اخلاص نیت

نصیحت زمانی مؤثر خواهد بود که فرد ناصح از هرگونه انگیزه‌های نفسانی میرا باشد و تنها خیرخواهی و رضایت الهی را مدنظر قرار دهد. در قرآن کریم آمده است:

«إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَقْبَلْتُ» (هود: ۸۸)؛ یعنی من جز اصلاح، آن هم تا جایی که توان دارم، چیزی نمی‌خواهم.

● محبت و دلسوزی

خیرخواهی واقعی زمانی محقق می‌شود که فرد ناصح، مخاطب را همچون عضوی از خود ببیند و برای اصلاح او همان قدر تلاش کند که برای اصلاح خود تلاش می‌کند. این نگاه، زمینه ایجاد اعتماد و پذیرش را فراهم می‌کند.

● رعایت ادب و احترام

ادب در بیان، از مهم‌ترین ارکان نصیح است. سخنی که با تحقیر یا سرزنش همراه باشد، حتی اگر منطقی باشد، پذیرفته نخواهد شد. نصیح نیازمند زبانی نرم و بیانی محترمانه است.

● انتخاب زمان و مکان مناسب

یکی از شروط مهم نصیح، رعایت زمان و مکان مناسب است.

روابط جمهوری اسلامی ایران و نظام سوریه

هادی معصومی زارع

متن زیر تدوینی جدید از مصاحبه آقای دکتر هادی معصومی زارع با برنامه جدال است. در این مجموعه، به تاریخ روابط نظام سوریه و ایران و تحولات این رابطه از ابتدا تا کنون پرداخته شده است. این مجموعه گفت و گو که یکی از معدود پژوهش‌های انجام گرفته با این وسعت و عمق است، زیر نظر خود ایشان تدوین و در سلسله یادداشت‌هایی منتشر خواهد شد. ویراستاری و تدوین این گفت و گوها توسط آقای علیرضا فرشچی پژوهشگر فقه و روابط بین الملل و دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد مطالعات منطقه انجام گرفته است.

روابط دو کشور قبل از انقلاب اسلامی

رابطه جمهوری اسلامی و حکومت سکولار سوریه به کجا برمی‌گردد؟ ما برای فهم جنس این رابطه آیا دوره‌بندی‌های خاص تاریخی داریم، یا از سال ۵۷ بدین سو یکسره به همین شکل بوده و چنانچه خودشان می‌گویند به این علت که هر دوی ما در جهت ضداسرائیل قرار داریم، مسلماً باید با همدیگر متحد باشیم و بدینسان از ابتدا در جهت مقاومت بوده‌ایم. آیا چنین خوانشی درست است؟

من می‌خواهم مسئله روابط ایران و نظام سوریه را در چند مرحله مطرح کنم: قبل از انقلاب، بعد از انقلاب، دوره آقای بشار اسد تا سال ۲۰۱۱، و از ابتدای ۲۰۱۱ تا امروز که چهار مرحله را شامل می‌شود. می‌توان گفت در این مرحله بعد از جنگ، مرحله پنجم هم شروع شده یا به زودی شروع خواهد شد. گفتید که جنگ داخلی تمام شده، نه، کماکان مسئله جنگ در سوریه ابا وجود ادلب، بربسات، مسئله کردهای سوریه را داریم. به نظر می‌آید طرف‌هایی که در این بحران نقش دارند و نقش‌آفرینی می‌کنند کماکان اراده‌ای برای پایان ندادند. اگرچه حالا نظام سوریه و برخی از کشورهای عربی وارد فرآیند مصالحه شده‌اند، ترکیه اخیراً سیگانال‌هایی برای آشتی مجدد با سوریه شروع کرده، اما بعید است که کمتر از دو سه سال آینده ما شاهد یک تسویه همه‌جانبه و پایان جنگ به معنای واقعی‌اش باشیم. علی‌الحساب ما فضای روابط ایران و سوریه را باز به چهار مرحله یا پنج مرحله تقسیم کنیم.

دوران پهلوی

مرحله اول قبل از انقلاب است. تاریخچه روابط ایران و سوریه از ۱۳۲۵ شروع می‌شود که سوریه به استقلال می‌رسد و ایران بلافاصله این استقلال را به رسمیت می‌شناسد، کنسولگری در سوریه تأسیس می‌کند و در سال ۱۳۳۳ یعنی حدود ۸ سال بعد از استقلال سوریه عهدنامه مودت بین دو نظام سیاسی، نظام شاهنشاهی پهلوی و نظام سیاسی سوریه امضا می‌شود. در این دوره، روابط تقریباً با فراز و نشیب‌هایی و اختلاف‌ها و اشتراک‌هایی برقرار است. به هر حال، پیوندهایی مذهبی وجود دارد مثل زیارتگاه‌ها در سوریه. از طرف دیگر، مشکلاتی وجود دارد بین دو نظام مثل مسئله حمایت نظام شاهنشاهی ایران از اسرائیل و منازعاتی که در آن دوره نظام سوریه و عرب‌ها با اسرائیل داشتند. ولی از ۱۹۶۸ بویژه با روی کار آمدن رژیم بعث عراق و آغاز منازعات بین دو حزب بعث عراق و سوریه، رفته‌رفته روابط بین نظام شاهنشاهی در ایران و نظام بعث سوریه ارتقا پیدا می‌کند و تقویت می‌شود.

درعین‌حال که شاید بشود گفت نظام پهلوی در ایران حامی اصلی رژیم اسرائیل در منطقه است، اما جسته‌گریخته با توجه به دشمنی‌ای که با نظام بعث عراق وجود دارد، این منفعت مشترک را بین دو نظام سیاسی می‌بینید. در مواردی ایران از نظام سوریه حمایت می‌کند؛ مثل حمایت ایران از قطعنامه ۱۳۱۶ شورای امنیت علیه اسرائیل که از اسرائیل می‌خواهد پنج افسر سوری که در خاک لبنان به اسارت گرفته شده‌اند را آزاد کند و تحویل نظام سوریه بدهد. یا سفر آقای حافظ اسد به ایران، کمک‌های مالی چند صد میلیون دلاری شاه به حافظ اسد و سوریه در آن دوره.

در این هفت سال روابط به واسطه تهدید رژیم بعث عراق روابط نسبتاً خوبی است.

این روابط ادامه دارد تا اینکه در سال ۱۹۷۵ میلادی توافقنامه الجزایر در ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ میان ایران و عراق امضا می‌شود و روابط ایران و عراق تا اندازه‌ای بهبود پیدا می‌کند و خوب این به طور طبیعی اثر خودش را بر روابط ایران و سوریه و روابط ایران با کردهای معارض عراق می‌گذارد. حدود ۱۰ ماه بعد از امضای توافقنامه الجزایر آقای حافظ اسد طی سفری ۴روزه دی ماه ۱۳۵۴ (۲۸ دسامبر ۱۹۷۵) وارد تهران می‌شود و با شاه ایران دیدار می‌کند. هدف اصلی حافظ اسد در این سفر طرح نگرانی شدیدش از ماجرای نزدیکی شاه و صدام حسین است. در این سفر باز شاه آن سیاست موازنه را دنبال می‌کند، حمایت‌هایی می‌کند از آقای حافظ اسد و قراردادهای و تفاهم‌نامه‌هایی بین طرفین امضا می‌شود. این وضعیت ادامه دارد تا ما به سال ۱۹۷۷ برابر ۱۳۵۵ نزدیک می‌شویم که آغاز فرآیند انقلاب در ایران است.

جالب است که دعوی سوریه و عراق آنقدر برایشان کلیدی بوده که حاضر بوده‌اند با حکومتی غیرعرب و نزدیک به غرب و نزدیک به اسرائیل برای توازن قوا رابطه برقرار کنند، در حالی که هر دو حزب بعث بودند و هر دو در بلوک شرق محسوب می‌شدند، این را می‌شود کمی توضیح دهید که این جنگ بین سوریه و عراق از کجا می‌آید؟

حزب بعث ابتدا یک حزب جامع و مشترک بود اما از همان ابتدا یک دعوی وجود داشت. چون خود ابتدا در سوریه در سال ۱۹۶۳ حزب بعث به قدرت رسید. در عراق نیز اگرچه بعثی‌ها کودتایی کردند و شکست خوردند و حکومتشان سرنگون شد، دوباره در سال ۱۹۶۸ با کودتایی که انجام دادند سر کار آمدند و تا سال ۲۰۰۳ حکومت کردند. یک اختلاف بر سر رهبری حزب بعث و رهبری جهان عرب بین نظریه‌پردازان و سیاستمداران حزب بعث وجود داشت. هر کدام از طرفین نگاهشان این بود که قیادت و زعامت و رهبری حزب بعث از آن اوست.

در غیاب جمال عبدالناصر؟

ببیند جمال عبدالناصر در ۱۹۷۰ در دنیا رفت. بعد از شکست ۱۹۶۷ هم عملاً ناصر دیگر آن ناصر قبلی نبود. ستاره بعث در چنین شرایطی پرفروغ شده بود. با این حال مشکل این بود که هر کدام از طرفین زعامت حزب بعث را برای خودش می‌خواست. حزب بعث در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی واقعاً در نگاه بسیاری از جوانان عربی در عراق و سوریه و کشورهای عربی، حزبی مترقی و پیشرو شناخته می‌شد. پس دعوا بر سر زعامت حزب بعث و دوم دعوا بر سر زعامت جهان عرب در غیاب جمال عبدالناصر بود. جدا از این اختلافات و دعواها، هر کدام از طرفین اقدام به حمایت عملی از مخالفین یکدیگر می‌کردند. به عنوان مثال، حزب بعث سوریه که در داخل اخوان المسلمین را ممنوع می‌کرد، از اخوان المسلمین سوریه به شدت حمایت می‌کرد. بخش مهمی از قدرت گرفتن رویکرد نظامی اخوان المسلمین در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی در سوریه، متأثر از حمایت‌ها و تشویق‌های حزب بعث و شخص صدام حسین بود. این دوره تا مرحله روبرویی نظامی میان دو کشور هم پیش رفت.

شاه وقتی که اسد به تهران می‌آید قول می‌دهد که ما موضوع بهتری در مورد فلسطین داریم. این متناقض به نظر می‌آید با موضوع عمومی شاه و نزدیکی استراتژیکش به اسرائیل در آن موقع. اگر می‌شود در این مورد توضیح دهید.



ببینید، اساساً اگر ما حزب بعث را در سوریه خوب بشناسیم، می‌فهمیم که چطور می‌شود که حزب بعثی که با اسرائیل روبرویی دارد، هم‌زمان با اسرائیل مذاکره می‌کند، با آمریکایی‌ها مذاکره می‌کند و با ایران هم وارد شراکت می‌شود. باید طبیعت و ماهیت حزب بعث را خوب بشناسیم تا بفهمیم چرا حزب بعث هم با شاه روابط برقرار می‌کند و هم بعد از شاه با جمهوری اسلامی روابط خوبی برقرار می‌کند. روابطی تا سطح روابط شبه‌استراتژیک در دوره حافظ اسد و روابط استراتژیک در دوره بشار اسد. اجمالاً بخواهم عرض کنم، حزب بعث نگاهش به مبارزه با اسرائیل بسیار متفاوت بود با نگاه جمهوری اسلامی در ایران یا حزب‌الله در لبنان یا حماس در فلسطین که نگاهی اعتقادی است و خود را در جنگی همه‌جانبه و وجودی با این رژیم می‌بیند. سوریه و حزب بعث درعین‌حال که با اسرائیل مسئله دارند، اما مسئله اصلی‌شان با اسرائیل مسئله جولان است. حزب بعث (به ویژه لایه حرس قدیم آن که در ادامه آن را توضیح خواهیم داد) کاملاً عملگراست. می‌داند که امکان جنگ و روبرویی مستقیم با اسرائیلی که مورد حمایت همه‌جانبه ابرقدرت‌ها و کشورهای غربی است، را ندارد. سوریه از ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳ و حتی ۱۹۸۲ چند جنگ با اسرائیل انجام داد و در تمام این جنگ‌ها تقریباً شکست خورد یا لاقال پیروز نشد. جولان را هم از دست داد. از اینجا به بعد سوریه به سوی جنگی عملگرایانه با هدف بازگشت جولان و احقاق حقوق فلسطینی‌ها در همان بافتار و سیاق و فضای بین‌المللی می‌رود.

در این سیاق، حزب بعث از ظرفیت پادشاهی غیرعربی که تلاش می‌کند در آن دوره به کشورهای عربی نزدیک‌تر شود، استفاده می‌کند. سوریه بسیار فقیری است و به کمک‌های مالی یک کشور قدرتمند و ثروتمند مانند ایران شاهنشاهی نیاز دارد. پس این عملگرایی حزب بعث آن را به سمت ایران شاهنشاهی سوق می‌دهد. علی‌رغم اینکه مشکلات جدی با حمایت استراتژیک شاه از اسرائیل دارد، اما هم بابت نیازهای مالی هم بابت اینکه بتواند کفۀ ترازو را میان رژیم صهیونیستی و خودش که در جنگ‌های پیاپی شکست خورده، به سود خود سنگین کند، روابطش را با ایران شاهنشاهی تقویت می‌کند.

نکته‌ای که باز باید تأکید کنم، همان منازعه و رقابت بین حزب بعث سوریه و عراق است. در آن دوره حزب بعث عراق حزبی قدرتمند با ثروت‌های مالی بسیار زیاد به خاطر فروش نفت بود و ارتش بسیار قدرتمندی را تشکیل داده. سوریه در شرایطی که تک و تنها مانده، از سمت جنوب با اسرائیل و از سمت شرق با عراق مواجه بود، نیازمند پشتیبانی خارجی بود. حالا چه این حامی عرب باشد، چه ایران. سوازی که هست این است که چرا حافظ اسد این موازنه را از طریق سعودی و امارات و قطر و کویت ایجاد نکرد؟ برای پاسخ به این پرسش باید دو نکته را مدنظر قرار داد. اول این که حافظ اسد از یک خانواده علوی روی کار آمده و به نوعی منسوب به شیعیان است. از سوی دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در آن دوره روابطشان با عراق بسیار مهم‌تر و استراتژیک‌تر بود تا با سوریه. درعین‌حال که روابطشان با سوریه مثبت بود، اما آن چیزی که برایشان اصالت داشت، روابط با عراق بود. این انزوای سوریه بود که آن را ناگزیر می‌کرد به سمت شاهی بیاید که به نوعی هم‌پیمان استراتژیک اسرائیل در منطقه بود.

آغاز نبرد سرنوشت‌ساز بین یمن و رژیم صهیونیستی

محمدعلی‌حسن‌نیا



می‌کنند. نتایج‌ها همچنین ادعا کرد: «حوثی‌ها در حال یادگیری هستند و به سختی یاد خواهند گرفت که هر کسی که به اسرائیل حمله کند بهای بسیار سنگینی می‌پردازد.»

این ادعاهای نتایج‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که رسانه اسرائیلی با اشاره به اینکه مفهوم «بازدارندگی» در قاموس یمن جایی ندارد، از عدم آمادگی ارتش این رژیم برای جنگ در منطقه‌ای دورتر خبر می‌دهد. «بوسی بهوش»، تحلیلگر مسائل نظامی در روزنامه «یدیعوت آحارونوت»، می‌گوید: روشن است که وضعیت با یمن از آرامش

بسیار دور است. شرکای جنگ علیه یمنی‌ها به اسرائیل هشدار دادند که واژه بازدارندگی در قاموس یمن جایی ندارد. او ادامه داد: «مشکل این است که ارتش اسرائیل بعد از ماه‌ها جنگ در شمال، در موقعیت مناسبی برای جنگیدن گسترده در منطقه‌ای بسیار دورتر از لبنان قرار ندارد.» مسئولان یمنی تأکید کردند

امروز مقاومت فراتر از مسلمانان رفته و جهان شمول شده است

محمدناصرریاحی

محمدناصر ریاحی جبهه مقاومت را یک نرم‌افزار محکم و پیوسته عنوان کرد و گفت: مصداق مقاومت را می‌توان در غزه مشاهده کرد که بیش از ۱۴ ماه تجاوز وحشیانه از سوی رژیم صهیونیستی را تحمل کرده است و شکست را نپذیرفته است؛ درحالی‌که تجهیزات نظامی خاصی ندارند. اگر همین امروز از مردم غزه سوال پرسیده شود حاضر هستند همچنان مقاومت کنند یا خیر، پاسخ مثبت خواهند داد.

وی از عدم موفقیت نتایج‌ها و رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهداف خود در غزه گفت و عنوان کرد: یکی از اهداف آنها آزادسازی اسرای صهیونیستی بود که علی‌رغم کشتار وسیع در غزه، هنوز اتفاق نیفتاده است؛ درحالی‌که این اسرا در منطقه کوچک نوار غزه است و مردم آن سلاح ندارند و در واقع سلاح ایشان، ایمان آنها است.

این تحلیلگر مسائل سیاسی با بیان اینکه مقاومت در مردم غزه تجلی پیدا کرده است، اظهار کرد: مردم فلسطین و به طور مشخص منطقه غزه پرچم‌دار مقاومت در جهان محسوب می‌شوند و همچنین خط مقدم جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی است.

وی ضمن اشاره به ایستادگی حماس و نیروهای مقاومت فلسطینی در سایه حمایت مردم فلسطین از آنها بیان کرد: مهم‌ترین هدف رژیم صهیونیستی از بین بردن حماس و شوراندن مردم غزه علیه این گروه مقاومت بود تا گروه‌های سازش‌کار در این منطقه حاضر شوند و حکمرانی کنند.

وی افزود: علت این مقاومت درحالی‌که از نظر سخت‌افزاری به‌هیچ‌وجه نمی‌توان مقاومت فلسطین را با رژیم صهیونیستی مقایسه کرد، ریشه نرم‌افزاری مقاومت است که از روح و فطرت انسان سرچشمه می‌گیرد.

ریاحی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو از مقاومت جانانه مردم و نیروهای حزب‌الله در جنوب لبنان گفت و اشاره کرد: علی‌رغم همه اقدامات جنایت‌کارانه‌ای که رژیم صهیونیستی انجام داده است، مردم و مقاومت لبنان همچنان تا آخرین قطره خون خود از مقاومت حمایت می‌کنند.

وی با بیان این موضوع که مبنای جبهه مقاومت اسلامی است، گفت: ایستادگی و پایداری در برابر رژیم صهیونیستی از سوی محور مقاومت، در جهان به یک سمبل و نماد تبدیل شده است. خیلی از منزلی که در لبنان آسیب‌دیده‌اند غیرمسلمانان از جمله مسیحیان هستند اما آنها به مسلمانان در هنگام جنگ و آوارگی کمک می‌کنند و به همین جهت باید گفت امروز محور مقاومت فقط شامل مسلمانان نمی‌شود.

این تحلیلگر مسائل سیاسی با تصریح بر اینکه مقاومت از پوسته خود خارج شده است، اظهار کرد: امروز مقاومت فراتر از مسلمانان رفته است و جهان شمول و جهان‌گیر شده است. هر کسی که پرچم مقابله با استبداد و استکبار جهانی را بلند کند، عضوی از جبهه مقاومت است.

وی افزود: همین مسئله موجب شده است امروز جبهه مقاومت فقط شامل غزه، لبنان، سوریه، یمن، ایران و عراق نباشد و شامل کشورهای جهان، حتی مردم آمریکا و اروپا هم می‌شود. در حقیقت هر کسی که علیه نظام سلطه قیام کند در زمره جبهه مقاومت قرار می‌گیرد. به‌عنوان نمونه در ایرلند پرچم اسرائیل را پایین می‌کشند و پرچم فلسطین را بالا می‌برند و این اتفاق در دانشگاه‌ها و حتی استادبوم‌های فوتبال هم اتفاق می‌افتد.

سقوط ۲ میلیون اسرائیلی در چاه (نامنی غذایی)



توسعه دریا محور از راهبردهای رشد اقتصادی

پیمان مسعودزاده

توسعه دریا محور از راهبردهای اساسی رشد اقتصادی در کشور است

یک عضو هیئت مدیره ادواری انجمن مهندسی دریایی ایران گفت: توسعه دریا محور از راهبردهای اساسی رشد اقتصادی و توسعه پایدار در کشور قلمداد می‌شود.

پیمان مسعودزاده در برنامه آژادراه رادیو اقتصاد افزود: دریا می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ ملی و در عین حال گره گشای همه مشکلات این مرز و بوم باشد.

وی اظهار داشت: توسعه صنعت دریایی در حوزه ساخت شناورها سال ۱۳۸۰ در کشور با وام وجوه اداره شده استارت خورد.

این عضو هیئت مدیره ادواری انجمن مهندسی دریایی ایران گفت: بطور کلی می‌توان اذعان کرد که در طول ۲۵ تا ۳۰ سال گذشته در صنعت دریایی کشور بویژه حوزه صنعت ساخت تحول خوبی ایجاد شده است.

وی افزود: کشور از یک نگاه جزئی نگرانه در طول ۲۵ تا ۳۰ سال گذشته امروز به یک عزم جدی و یک نگاه کلان نگرانه در حوزه دریا رسیده است.

مسعودزاده در ادامه به ابلاغ سیاست‌های کلی توسعه دریا محور در سال ۱۴۰۲ اشاره کرد و اظهار داشت: سیزده و نیم ماه از ابلاغ این سیاست‌ها در کشور می‌گذرد.

وی عنوان کرد: سیاست‌های کلی توسعه دریا محور دارای ۹ بند است.

این عضو هیئت مدیره ادواری انجمن مهندسی دریایی ایران گفت: اگر کشور بخواهد توسعه پیدا کند باید یک یا دو صنعت را به صورت محوری انتخاب و بقیه سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی حول این دو محور باشد.

وی افزود: برای هر کار توسعه‌ای باید منابع مورد نیاز مد نظر قرار گیرد بنابراین نمی‌توان کار اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی را بدون لحاظ کردن منابع مالی به سر منزل مقصود رساند.

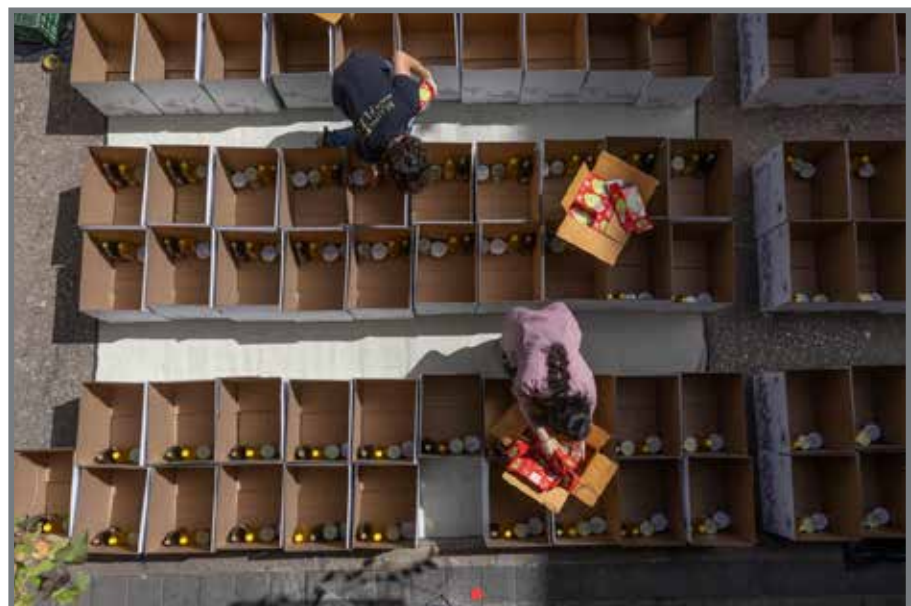
مسعودزاده بیان داشت: ماده ۹ سیاست‌های کلی توسعه دریا محور بر لزوم حمایت از سرمایه‌گذاران بومی و محلی در طرح‌های توسعه‌ای و حمایت از فعالان اقتصادی و بنگاه‌های کوچک و متوسط جوامع محلی در حوزه‌های مختلف از جمله صیادی، کشاورزی، صنعتی و گردشگری تأکید دارد.

وی عنوان کرد: این همان بخشی که گفته می‌شود اقتصاد را باید به دست مردم سپرد.

این عضو هیئت مدیره ادواری انجمن مهندسی دریایی ایران گفت: بطور کلی در حوزه اقتصادهای خرد و محلی سرمایه‌های فراوانی و در عین حال روش‌های تأمین مالی زیادی نیز وجود دارد.

وی افزود: سرمایه‌های خرد جوامع محلی را می‌توان با روش‌های مختلف جمع‌آوری و در نهایت با این منابع سرمایه‌گذاری کلانی انجام داد.

مسعودزاده یادآور شد: اگر کشور بخواهد در این حوزه حرکت جهشی داشته باشد یا همانطور که در بند دو سیاست‌های کلی توسعه دریا محور گفته شده توسعه فعالیت‌های اقتصادی دریامحور و ایجاد قطب‌های توسعه دریایی پیشران در سواحل، جزایر و پس‌کرانه‌ها به گونه‌ای که نرخ رشد اقتصادی در حوزه فعالیت‌های دریامحور (اقتصاد دریامحور) طی ۱۰ سال همواره حداقل دو برابر نرخ رشد اقتصادی کشور باشد بدون شک تحقق این مهم نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بیرونی و مشارکت منطقه‌ای است.



بیش از یک سال جنگ بی‌وقفه، باعث گسترش ناامنی غذایی در رژیم صهیونیستی شده است. سایه جنگ، نحوه ارائه وعده‌های غذایی و کمک‌های خیریه‌های اسرائیلی به نیازمندان را به طور چشمگیری تغییر داده است. با چالش‌های جدید، تقاضا برای کمک در جوامعی که مرفه محسوب می‌شدند نیز به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

۱۶ درصد از جمعیت اسرائیل گرفتار ناامنی غذایی

جنگ‌های مداوم در غزه و لبنان، دامنه بخش‌های اجتماعی نیازمند کمک را گسترده‌تر کرده و مراجعه به سازمان‌های ارائه‌دهنده این خدمات دیگر امری شرم‌آور محسوب نمی‌شود. این سازمان‌ها کاملاً توسط بخش‌های غیرنظامی اداره می‌شوند و خیریه‌هایی هستند که اغلب در کنار دولت و خدمات اسرائیل اما بدون دریافت کمک یا مداخله از سوی آن فعالیت می‌کنند.

طی یک سال گذشته، این خیریه‌ها گزارش داده‌اند که جنگ به طور کامل شیوه ارائه وعده‌های غذایی و کمک به ۱۶ درصد از جمعیت اسرائیل را که با «نامنی غذایی» مواجه هستند، تغییر داده است. نامنی غذایی به معنای نداشتن دسترسی کافی به غذای مغذی و کافی است.

از ۷ اکتبر، خیریه «لکت»، که بر استفاده مجدد از غذای اضافی از منابعی چون کنترینگ‌ها، هتل‌ها، شرکت‌ها، مزارع و دیگر منابع برای نیازمندان تمرکز دارد، شاهد افزایش ۴۰ درصدی درخواست‌ها برای وعده‌های غذایی بوده است.

جوزف گیتلر، بنیان‌گذار و رئیس داوطلبانه این سازمان، می‌گوید: «ما معمولاً روزانه بین ۱۰ تا ۱۵ هزار وعده غذایی فراهم می‌کنیم و در آستانه مراسم روش هشتاد نیز ده‌ها هزار وعده غذایی و هزاران تن میوه و سبزیجات توزیع کردیم.»

جنگ تهیه غذا را سخت و پرهزینه کرده است

گیتلر می‌گوید: «در ماه‌های پس از ۷ اکتبر، بسیاری از مزارع برای همکاران لکت یا کامیون‌های ما امن نبود. آسیب‌هایی در مزارع وجود داشت و حتی کشاورزان نمی‌توانستند به زمین‌های خود بروند.» او همچنین به نبود کارگران خارجی در بخش کشاورزی اشاره کرد که تولید را کاهش می‌داد.

«یکی دیگر از چالش‌ها این بود که غذای اضافی برای استفاده مجدد، یک شبه ناپدید شد؛ زیرا ارتش وارد جنگ شد، مردم از خانه کار می‌کردند، کافه‌تراها سفارش غذا را متوقف کردند و مراسم‌های بزرگ شرکتی یا خانوادگی لغو یا خصوصی شدند. هتل‌ها خالی شدند و مهمانان گردشگر جای خود را به تخلیه‌شدگان از مناطق جنگی دادند.»

نبود امنیت غذایی منجر به

یک سونامی اجتماعی شده است

آلما بک، یکی از بنیان‌گذاران و سازمان‌دهندگان جامعه «فرهنگ همبستگی»، یک سازمان کمک متقابل که در منطقه تل‌آویو فعالیت می‌کند و غذا و ملزومات اساسی را بین نیازمندان توزیع می‌کند، گفت: «با آغاز جنگ، مقیاس فعالیت‌های خود را به طور چشمگیری افزایش دادیم. درخواست‌های زیادی از جنوب و همچنین از سوی افرادی که تخلیه شده بودند، دریافت کردیم. این شبیه آن چیزی بود که در آغاز کووید دیدیم.»

گیلس دارمون، بنیان‌گذار و رئیس سازمان «لاتت»، که با صدها سازمان غیردولتی برای مبارزه با فقر و ناامنی غذایی همکاری می‌کند، می‌گوید از اکتبر ۲۰۲۳، تقاضا برای کمک در سازمان او تقریباً ۶۰ درصد افزایش یافته است.

او می‌گوید: «در دوران تعطیلات اخیر یهودی، بیشتر درخواست‌ها از شمال کشور بود. ما شاهد افزایش حدود ۲۵ درصدی تقاضا بودیم.»

وضعیت ناامنی غذایی صهیونیست‌ها

آخرین داده‌های کمی درباره ناامنی غذایی در اسرائیل مربوط به گزارش سال ۲۰۲۱ موسسه بیمه ملی است. این گزارش نشان می‌دهد که از ۱۶ درصد اسرائیلی‌هایی که تحت تأثیر ناامنی غذایی قرار دارند، ۸ درصد از آن‌ها دچار «نامنی غذایی شدید» هستند. ناامنی غذایی در غزه، که طبق گزارش سازمان ملل با خطر قحطی مواجه است، افزایش یافته است.

آلما بک می‌گوید: «فلسطینیان در کرانه باختری نیز به دلیل لغو مجوزهای کاری در اسرائیل، با شرایط سختی روبرو شده‌اند. در آنجا شرایط وحشتناک است، زیرا بسیاری از مردم که در

اسرائیل درآمد کسب می‌کردند، پس از ۷ اکتبر تقریباً همگی مجوزهای کاری خود را از دست دادند.»

رئیس لاتت می‌گوید: «اگر بر اساس آخرین آمار عمل کنیم، ۱.۱۸ میلیون اسرائیلی از ناامنی غذایی شدید و ۲ میلیون نفر از ناامنی غذایی رنج می‌برند. بیشتر کار ما با این جمعیت است.»

تمرکز رژیم بر جلب حمایت برای جنگ به جای حل مشکلات دولت تلاش کرده است مدلی شبیه به کوپن‌های غذایی آمریکا را به کار بگیرد، اما طبق گفته گال، «این طرح به گونه‌ای طراحی شد که دسترسی به این کوپن‌های غذایی برای جوامع خریدی (گروه‌هایی از یهودیان که به شدت به اصول و مذاهب یهودیت پایبند هستند و معمولاً از جامعه مدرن فاصله می‌گیرند) بیشتر از دیگران باشد. به نظر ما این یک حرکت سیاسی بود تا تلاشی برای مقابله با ناامنی غذایی.»

دارمون می‌گوید که در طول جنگ کمک‌چندانی از دولت دریافت نکرده‌اند. او گفت: «در نهایت، ما این کار را به تنهایی انجام دادیم. دولت هیچ اقدام اضافی درباره ملزومات یا غذا از زمان شروع جنگ انجام نداد. آن‌ها همان کاری را که معمولاً انجام می‌دهند، ادامه دادند و باید این را بپذیریم. به نظر من آن‌ها در ارائه کمک‌های اضافی کوتاهی کردند.»

او بر نقش دولت و خیرین در زمان جنگ تأکید می‌کند: «این شرایط برای سال‌ها ادامه خواهد داشت. ما هرگز به وضعیت قبل از ۷ اکتبر بازخواهیم گشت. رسیدن به یک تعادل دوباره، سال‌ها زمان می‌برد و این نیازمند تلاش‌های مستمر و چشمگیر ما، داوطلبان، اهداکنندگان و سازمان‌های غیردولتی است تا بتوانیم بر این شرایط غلبه کنیم.» (منبع: هآرتس)

گران کردن بنزین ظلم به مردم است

مرتضی افقه



مرتضی افقه درباره خبر گم‌شدن ۲۰ میلیون لیتر سوخت در روز به صبح و گفت‌وگو رادیو گفت‌وگو گفت: این میزان، گم نشده چون ۲۰ میلیون لیتر عدد کمی نیست که گم و یا توسط افراد عادی مصرف شود.

وی افزود: احتمالاً افراد صاحب‌نفوذی هستند و بانفوذ این کار را می‌کنند.

صادرات و قاچاقی در این حد کم نیست و اگر درست شنیده باشم، حدود ۳۰ میلیون لیتر واردات بنزین با نرخ آزاد داریم و این بهانه‌ای برای مسئولین دولتی است تا قیمت بنزین را افزایش دهند.

این کارشناس مسائل اقتصادی در بخشی دیگر از این گفتگوی رادیویی اظهار کرد: بسیاری مشکلات ریشه‌های غیراقتصادی دارند که با فرمول‌های اقتصادی قابل حل نیستند. بعد از جنگ تا امروز فرمول و نسخه‌ای نمانده که اقتصاددانان اعمال نکرده باشند؛ ولی نتیجه نداده.

درحالی‌که ساختارهای ضد تولید و ضد توسعه بر فرایند تصمیم‌گیری حاکم است که باید حل‌وفصل شود؛ ولی یک گروه خاص از اقتصاددانان صرفاً افزایش قیمت را می‌شناسند.

وی ادامه داد: تا اصلاحات در بسترهای غیراقتصادی انجام نشود، هیچ اصلاح اقتصادی به نتیجه نمی‌رسد و صرفاً مشکلات معیشتی مردم افزایش پیدا می‌کند.

افقه بار دیگر به مسئله سوخت بازگشت و گفت: ۵۰ درصد جمعیت در چند شهر بزرگ متمرکز شده و ده‌ها ساعت در ترافیک، سوخت مصرف می‌کنند.

وی اضافه کرد: چسبیدن به این عبارت که فقط باید قیمت بنزین را افزایش دهیم، ظلم به مردم و تحمیل بی‌کفایتی به آن‌هاست. ما ۲۰ درصد جمعیت را در تهران متمرکز کردیم درحالی‌که شهرهای پهناور دیگری هم داریم؛ بنابراین سرمایه‌گذاری‌ها صرفاً در تهران صورت گرفته و باعث افزایش مهاجرت می‌شود.

وی افزود: تنها راه تغییر در نگرش و بینش است و با فرمول ساده‌لوحانه و صرفاً اقتصادی، مشکلات مردم بیشتر می‌شود.

انیمیشن ایرانی «در سایه سرو» در جمع ۱۵ نامزد اولیه اسکار قرار گرفت سایه سرو در اسکار



انتخاب فیلم‌های زیرزمینی ایرانی

ابوالحسن داودی

■ اسکار فیلم‌های زیرزمینی ایرانی را برای جشنواره انتخاب می‌کند

ابوالحسن داودی کارگران: فیلمی که ایران امسال به صورت رسمی به اسکار معرفی کرد، پذیرفته نشد اما از سوی دیگر ۲ فیلم از سینمای زیرزمینی ایران از ۲ کشور جزو منتخبان اسکار قرار می‌گیرند. ممکن است ممنوعه بودن شرایط فیلم به دیده شدنش کمک کند و این یک سواستفاده سیاسی است.

سه‌شنبه‌های نیم‌بهای سینما

بررسی‌های «فرهیختگان» نشان می‌دهد سه‌شنبه‌های نیم‌بهای سینما، بیشتر از روزهای تعطیل آخر هفته مخاطب دارد

۹ ماه از شروع سال ۱۴۰۳ می‌گذرد و در این مدت ۲۶ میلیون و ۶۹۵ هزار و ۲۸۶ نفر به سینما رفته‌اند. در این میان سهم تعطیلات آخر هفته، ۹ میلیون و ۴۰۹ هزار مخاطب و سهم روزهای سه‌شنبه نیم‌بها، ۷ میلیون و ۳۰۹ هزار نفر است. با نگاهی به این آمار به نکته جالبی می‌رسیم؛ اگر مخاطب ۹ میلیونی آخر هفته را تقسیم بر ۲ روز (پنجشنبه و جمعه) کنیم، سهم هرروز، حدود ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر می‌شود. این آمار نشان می‌دهد مخاطبان ۷ میلیونی سه‌شنبه‌های نیم‌بها ۱.۵ برابر روزهای آخر هفته است.

موضوع دیگر اینکه تعداد سانس‌هایی که به روزهای آخر هفته تعلق گرفته بیشتر از تعداد سانس‌های اواسط هفته است. به نظر می‌رسد اگر با احتساب همان سانس‌های آخر هفته، تمام روزهای سینما هم نیم‌بها شود، با افزایش تعداد مخاطب سینما داران ضرر که هیچ، بلکه سود هم خواهند کرد.

برج میلاد کاخ جشنواره فیلم فجر

طبق تفاهم‌نامه سازمان سینمایی و سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران، مرکز همایش‌های «برج میلاد» مقر اصلی چهل و سومین جشنواره فیلم فجر خواهد بود.

داستان‌گویی ریدلی اسکات در

فیلم‌هایش به درستی دیده نشده است



کریستوفر نولان، کارگردان «وپنهايمر» درباره ریدلی اسکات نوشت: باوجود همه موفقیت‌هایی که اسکات در ساخت فیلم‌هایش داشته، اما سهم وی در تکامل داستان‌گویی سینمایی هرگز به درستی مورد تأیید قرار نگرفته و نوآوری‌های بصری که او در دهه ۱۹۷۰ به سینما آورد، اغلب به عنوان سطحی بودن رد شده‌اند، اما منتقدان آن زمان این نکته را نادیده گرفتند که فیلمبرداری باشکوه و طراحی دقیق اسکات، عمق جدیدی را به زبان بصری سینما بخشیده است. صحنه‌ای که می‌تواند به ما بگوید جهان‌هایی که در این فیلم‌ها به تصویر کشیده شده چه حسی دارند.

مریم فضائلی

انیمیشن کوتاه «در سایه سرو» تجربه‌ای منحصر به فرد است که در مدت زمان ۲۰ دقیقه، ۲۴ ساعت خاص از زندگی دو شخصیت بلندقد و لاغراندام را به نمایش می‌گذارد. این اثر، روایتگر پیچیدگی‌های روابط عاطفی در یک خانواده آسیب‌دیده از دوران جنگ است و داستانی دلنشین و تأثیرگذار از رابطه پدر و دختری را در منطقه‌ای دورافتاده و دل طبیعت بکر خلیج فارس روایت می‌کند. پدر، که در دوران جنگ ناخدا بوده، در اثر حمله جنگنده‌ها دچار اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) می‌شود. در این انیمیشن، تماشاگر شاهد تغییرات تدریجی در زندگی این پدر و دختر است.

در سایه سرو، به نویسندگی و کارگردانی شیرین سوهانی و حسین ملایمی، محصولی از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. شیرین سوهانی، کارشناس ارشد کارگردانی انیمیشن از دانشگاه هنر تهران، و حسین ملایمی، کارشناس ارشد همین رشته، در خلق این اثر نقش داشته‌اند. ویژگی‌های خاص این انیمیشن از سوی هنرمندان و داوران بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به سیالیت و پیوستگی روایت، ریتم مؤثر و توانایی فیلم در همراهی و اثرگذاری عمیق بر مخاطب اشاره کرد. کانسپت و تصویرسازی‌های اثر نیز مورد تحسین قرار گرفت و بسیاری آن را اورجینال و خلاقانه دانسته‌اند. در این میان، برخی مخاطبان درباره منابع الهام بخش این اثر سوال کرده‌اند، در حالی که تیم سازنده تلاش کرده است تا حد ممکن از شباهت با آثار دیگر هنرمندان پرهیز کند. علاوه بر داستان و تصاویر، طراحی صدا و موسیقی فیلم نیز مورد استقبال قرار گرفته است. استفاده از سازهای شرقی و هماهنگی آن با فضای احساسی فیلم، توانسته ارتباط عمیقی با تماشاگران برقرار کند و تأثیرگذاری بیشتری ایجاد کند.

■ دغدغه‌مندی

دغدغه، نقشه راه یک هنرمند است. همان‌طور که یک مسافر بدون نقشه راه گم می‌شود، یک هنرمند بدون دغدغه نمی‌تواند به مقصد دلخواه خودش برسد. بدون شک یکی از رمزهای موفقیت و به ثمر رسیدن این انیمیشن، دغدغه‌مندی سوهانی و ملایمی به عنوان خالقان این اثر است. این دو کارگردان در مصاحبه‌ای که با پلاتو هنر داشتند، درباره ایده اولیه انیمیشن می‌گویند: «داستان انیمیشن کوتاه در سایه سرو از آنجایی شکل گرفت که برای اولین بار، یک فیلم را به صورت مشترک کارگردانی کنیم. به همین دلیل به سراغ موضوعاتی رفتیم که دغدغه هر دوی ما بود و هر دو روی آن اتفاق نظر داشتیم؛ موضوعاتی نظیر خانواده، رابطه پدر و مادر و فرزند و روابط عاطفی بین آن‌ها». این دو هنرمند در ادامه می‌گویند: «در پویانمایی در سایه سرو در ابتدا با یک ایده ساده شروع کردیم و قصد نداشتیم از قبل یک مضمون و شعاری خاص را سرلوحه فیلممان قرار دهیم و فیلم را در خدمت آن شعار و مضمون بسازیم؛ بلکه برعکس می‌خواستیم در حین ایده‌پردازی و پیشبرد داستان، با هیچ مضمون و هدف از پیش تعیین شده‌ای داستان را محدود نکنیم و اجازه بدهیم داستان مان راه خودش را بیابد. این

ایده ساده در ابتدا در مورد یک پدر و پسر نوازنده بود و داستان حول محور مهاجرت و در شهری همچون تهران می‌چرخید اما پس از مدتی به دو شخصیت پدر و دختر و مکان زندگی‌شان در جنوب کشور رسیدیم و با تغییر لوکیشن به سمت جنوب و اضافه شدن عناصری مانند دریا، لنج و بعداً پهنک، مسیر داستان زاویه متفاوتی به خودش گرفت و همه چیز تغییر کرد و سرانجام بعد از کش و قوس‌های فراوان و اختصاص زمان قابل توجه، به فیلمنامه نهایی رسیدیم.»

■ فرم در خدمت محتوا

در دنیایی که انیمیشن‌های کامپیوتری بر همه جا حاکم هستند، در سایه سرو با انتخاب تکنیک دوبعدی فریم به فریم، راهی متفاوت و اصیل را پیش گرفته است. این انتخاب، نه تنها به انیمیشن هویتی منحصر به فرد بخشیده، بلکه به بیننده این امکان را می‌دهد تا به دنیای داستان به گونه‌ای عمیق‌تر و صمیمی‌تر نفوذ کند. در این انیمیشن، فرم نه تنها در خدمت محتواست، بلکه با آن در هم تنیده شده و اثری خلق کرده است که هم از نظر بصری جذاب و هم از نظر احساسی تأثیرگذار است.

این دو کارگردان درباره تکنیک دوبعدی که یکی از دشوارترین تکنیک‌های ساخت انیمیشن است، توضیح دادند: «معمولاً مدت زمان فیلم‌های کوتاهی که با این تکنیک ساخته می‌شوند، به دلیل دشواری این تکنیک، بیشتر از ده دقیقه نیست. با اینکه می‌دانستیم فیلمنامه‌ای که نوشته‌ایم حداقل بیش از پانزده دقیقه زمان نیاز دارد، اما حاضر نشدیم بابت سهولت در تولید، در داستان در سایه سرو دست ببریم و زمان آن را کوتاه کنیم؛ چرا که این تغییر، آسیب جدی به فیلمنامه وارد می‌کرد. دلیل انتخاب این تکنیک برای فیلم هم علاوه بر تناسب و هماهنگی بیشتر آن با داستان ما، علاقه شخصی، تجربه و تخصص بیشتر ما در تولید فیلم‌های انیمیشن با تکنیک دوبعدی فریم به فریم بود. این گونه روش‌ها در عین حال که ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و منحصر به فرد خود را دارند اما به دلیل اقتصادی نبودن، دشوار بودن، زمان‌بر بودن و... رو به فراموشی‌اند و در طرف مقابل روش‌های سه بعدی کامپیوتری و یا دوبعدی‌های کات‌اوت کامپیوتری، اقتصادی‌تر و فراگیرتر هستند؛ این هم دلیل دیگری برای تصمیم ما مبنی بر ساخت فیلم در سایه سرو با این تکنیک دشوار بود.»

■ جایزه پشت جایزه

با وجود تمام چالش‌ها و دشواری‌هایی که در روند تولید انیمیشن در سایه سرو پیش روی کارگردانان این اثر قرار داشت، نتیجه نهایی به قدری شیرین و ارزشمند است که تمامی سختی‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به گفته شیرین سوهانی و حسین ملایمی، علاوه بر مشکلات رایج در تولید انیمیشن دو بعدی فریم



به فریم، مسائل دیگری نیز در مسیر تولید این اثر ایجاد چالش کرده‌اند. از جمله این مشکلات می‌توان به کمبود نیروی انسانی متخصص در ایران، هزینه‌های بالا و عدم تطابق آن‌ها با بودجه محدود تولید، و همچنین مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در کشور مان وجود دارد و به تبع آن، عدم ثبات اقتصادی و آرامش روانی اشاره کرد. این مسائل باعث کند شدن روند تولید و ایجاد موانع فراوانی برای تیم سازنده شدند، اما در نهایت این سختی‌ها با نتیجه‌ای موفقیت‌آمیز جبران شد.

انیمیشن در سایه سرو تاکنون در ۱۰۰ جشنواره بین‌المللی و ملی معتبر به نمایش درآمده است که از این میان، نزدیک به ۲۷ جشنواره مورد تأیید آکادمی اسکار بوده‌اند. این اثر تاکنون موفق به کسب بیش از ۲۰ جایزه بین‌المللی شده که از میان آن‌ها می‌توان به چهار جایزه بهترین انیمیشن از جشنواره‌های معتبر آکادمی اسکار مانند «تربایکا» و «فیلم کوتاه لس‌آنجلس» در آمریکا، «اسپارک» در کانادا و «انیمایو» در اسپانیا اشاره کرد. همچنین در سایه سرو نامزد بهترین فیلم کوتاه در هشتمین دوره جشنواره ونیز (ایتالیا) شد و در جشنواره انسی (فرانسه) برای کسب جایزه کریستال نامزد گردید.

از دیگر افتخارات جهانی این انیمیشن می‌توان به دریافت تندیس طلایی بهترین فیلم انیمیشن، بهترین طراحی کاراکتر، بهترین انیمیت و دیپلم افتخار بخش بین‌الملل از دوسالانه پویانمایی تهران اشاره کرد. حضور این اثر در فستیوال‌های معتبر و متعدد بین‌المللی، گواهی بر موفقیت‌های آن در عرصه جهانی است. در میان رقبای سرسخت در سایه سرو، انیمیشن‌های برجسته‌ای قرار دارند. از جمله این آثار می‌توان به انیمیشن‌های «خداحافظ دنیای من» و «ای‌وای!» از فرانسه، «خرسی به نام ویتک» محصول مشترک لهستان و بریتانیا، «مردان زیبا» از بلژیک، «جرج بتری» محصول مشترک آمریکا و ژاپن، «خرچنگی در استخر» از کانادا، «شاید فیل‌ها» محصول مشترک نروژ و کانادا، «من» و «۲۱» هر دو از آمریکا، «ورنگامی» و «بنبات‌های جادویی» هر دو از ژاپن، «پرسیس» محصول مشترک فرانسه و پرغال، «سرگردانی برای شگفتی» از هلند و «کلاویه وحشی‌مراج» محصول مشترک آلمان و فرانسه، اشاره کرد که همگی از نامزدهای اولیه شاخه بهترین انیمیشن کوتاه هستند.

تمرکز جشنواره ۴۳ بر کشف چهره‌های تازه است

محمد رضامصباح



تمرکز اصلی ما بر کشف استعدادها خواهد بود. جشنواره فیلم فجر جایزه‌ای تحت عنوان سیمرغ بلورین را به برگزیدگان اهدا می‌کند که دارای ارزش و اعتباری ویژه است و چه بهتر که از این اعتبار برای معرفی و کشف چهره‌های جدید استفاده شود.

مصباح در پایان گفت: امیدوارم پس از برگزاری مراسم اختتامیه این جشنواره، روح تازه‌ای به کالبد سینمای ایران دمیده شده و عوامل جوان و کاربلدی به مجموعه سینمای ایران اضافه شوند.

مصباح با بیان اینکه در جشنواره پیش رو شاهد حضور پرنگ صاحبان آثار خواهیم بود، افزود: این موضوع به لحاظ آماري در ثبت نام فیلم‌ها مشخص است. امسال بیش از هفتاد درصد آثار متقاضی حضور در جشنواره فیلم فجر، در بخش خصوصی تولید شده‌اند که اتفاق بسیار مثبت و درخشانی به شمار می‌آید و باعث می‌شود این تصور که جشنواره فیلم فجر یک رویداد دولتی است رنگ باخته و جشنواره همچون ادوار گذشته به عنوان خانه هنرمندان و سینماگران شناخته شود.

عضو هیئت انتخاب جشنواره چهل و سوم درباره حضور چشمگیر فیلم‌سازان اول در این دوره نیز گفت: من به دلیل نوع دغدغه خود علاقه زیادی به همکاری با سینماگران فیلم اولی دارم و در چند سال اخیر به صورت مداوم با این افراد همکاری کرده‌ام. امسال یک اتفاق ویژه در جشنواره صورت گرفته است که می‌تواند نقطه عطف به شمار بیاید و آن حضور فیلم‌های اول در بخش رقابتی و داوری است. در برخی از ادوار جشنواره کارگردانان تازه کار این شانس را داشتند که تنها برنده سیمرغ بهترین فیلم اول شوند، اما امسال نتیجه فعالیت آن‌ها در تمام بخش‌ها قضاوت خواهد شد و به همین دلیل عدالت در میان تمام فیلم‌ها اعمال می‌شود.

او همچنین با اشاره رویکرد ویژه جشنواره چهل و سوم در کشف استعدادهای جدید عنوان کرد: جشنواره فجر همواره فرصتی برای کشف استعدادهای تازه به شمار رفته و در دوره چهل و سوم تمرکز دبیرخانه جشنواره بر شناسایی چهره‌های جدید است. در فرآیند انتخاب آثار رویکردهای بسیاری همچون نوع نگاه سینمایی ایران، قومیت‌ها و موارد مغفول مانده مورد تأکید قرار می‌گیرد، اما

فساد ارتباط تنگاتنگی با قدرت دارد



نشست نقد و بررسی کتاب «فراقب فساد؛ تمرینی در حکمت عملی» نوشته حجت‌الاسلام سیدسعید لواسانی، با حضور، میثم مه‌دیار، مهدی محمدی، محمدامین سلیمی و نویسنده کتاب در سرای اهل قلم برگزار شد.

زایش فکر و اندیشه را در دانشگاه‌ها از دست داده‌ایم

میثم مه‌دیار در این نشست گفت: ما به کتاب‌هایی از جنس «فراقب فساد؛ تمرینی در حکمت عملی» نیاز داریم. در دهه ۶۰ میلادی برادران پاکستانی در کنفرانس آموزشی مکه دغدغه‌ای را مطرح کردند و در حوزه علم، آموزش اسلامی و غیراسلامی طرح موضوع شد. ما برای حل مسائل به نگاه اسلامی نیاز داریم یا دنیا را متفاوت می‌فهمیم. اسماعیل فاروقی ایده انجمن اسلامی را تاسیس کرد و نشریه آنها یکی از نشریات معتبری است که در آمریکا منتشر می‌شود. همچنین علی شریعتی قبل از انقلاب این نظریه را مطرح کرد و افرادی نیز بعد از انقلاب اسلامی ایران دغدغه‌هایی این چنین را پیگیری کردند، اما به طور کل این مسئله در جنگ علوم انسانی به محاق رفت و در دهه هفتاد انشعاقی شکل گرفت. از اوایل دهه هشتاد بحث دانشگاه اسلامی و... ذیل بحث آزاداندیشی شکل گرفت که اینها را در یک خط می‌توان دنبال کرد.

وی افزود: اساساً مسئله بد فهمیده شده است، ما درک درستی از علوم انسانی یا علوم اجتماعی در جامعه‌شناسی پیدا نکردیم. تصور این بود که مبانی پارادایمی در اتاق‌های در بسته تولید و بر اساس آن مسائل و مشکلات کشور حل شود. اینجا یک درک آزمایشگاهی از علم شروع شد، این در صورتی است که ما باید منطق علوم انسانی اسلامی را فهم کنیم و بدانیم که علوم انسانی مدرن چه ماجرابی دارد و چه نسبتی با تاریخ دارد. من فکر می‌کنم که ما هنوز در ۱۹۶۰ کنفرانس مکه و یا در انقلاب فرهنگی مانده‌ایم و قدمی پیش نیامده‌ایم. کتاب «فراقب فساد؛ تمرینی در حکمت عملی» از این جهت مهم است.

مه‌دیار ادامه داد: حجت‌الاسلام سیدسعید لواسانی، مولف کتاب به دلیل مسئولیتی که به عنوان امام جمعه لواسانات داشت، این موضوع ذهنش را مشغول و برای تجربیات آنجا مبانی الهیاتی تدوین کرد. این نقطه قوت کتاب است که بسیار به آن نیاز داریم. به زعم من این رویکرد علم اسلامی است؛ مسلمانی که درگیر مسئله اجتماعی و فرهنگی می‌شود و به صورت‌بندی می‌رسد و آن را منتق می‌کند تا بقیه نیز با آن ارتباط برقرار کنند. ما باید تجربیات تاریخی خودمان را صورت‌بندی کنیم.

وی در ادامه با اشاره به این نکته که نظام آکادمیک ایران از تاریخ منقطع است، گفت: کاترین لمپتون تنها جامعه‌شناسی بود که ایران را یک دور کامل گشت و کتاب «مالک و زارع» را نوشت. او چندین کتاب در مورد تاریخ ایران دارد، اما نظام دانشگاهی در ایران نسبت به این مسائل بی‌توجه است، حتی حوزه علمیه نیز فارغ از تاریخ است. در حوزه علمیه نیز تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اسلام، قبل از اسلام و بعد از اسلام و ایران برایشان مسئله نیست. با این دست‌فرمان نمی‌توانیم مدعی دانش باشیم. ما دانشگاه و حوزه علمیه زیاد داریم، اما علم نداریم. ما زایش فکر و اندیشه را در دانشگاه از دست دادیم.

این جامعه‌شناس اضافه کرد: مزیت کتاب «فراقب فساد؛ تمرینی در حکمت عملی» این است که مولف تجربیات خویش را بیان کرده است. تلاش او برای صورت‌بندی اتفاقات در لواسان و فساد پیچیده، ترک مسئولیت و نشستن و نوشتن ستودنی است. از این دست کارها باید روال شود، روالی که در عرصه مدیریتی

اتفاق می‌افتد. اکنون روال این‌گونه است که هر مدیری که می‌رود، تجربیاتی را که با پول بیت‌المال کسب کرده، با خود می‌برد. پیشرفت یعنی تجربیات انباشت شود و به صورت مکانیزم اجتماعی اتفاق بیفتد و افراد بر روی این مکانیزم حرکت کنند. گسست تجربیات قبلی سبب‌ساز فساد است.

مه‌دیار در بخش دیگری از سخن خود به بیان پیشنهاداتی برای ویرایش کتاب ارائه پرداخت و ادامه داد: بهتر آن بود که پرونده‌ها به صورت تاریخی طرح شود و نگاه جاری در کتاب «فراقب فساد؛ تمرینی در حکمت عملی» ناظر بر پیچیدگی‌های آنها بیان شود. البته شاید جلد دوم کتاب به این سمت و سو برود که خود روایت‌ها به شکل تاریخی و روایی بیان و ناظر به آن جزئیات، نظرات نویسنده بیان شود. البته کلیاتی در کتاب بیان شده که قابل تقدیر است، ولی بخش اصلی خاطرات برای مطالعات بیشتر است، در حالیکه تاملات را باید مطرح کرد. نیازمند این هستیم تا کسانی مانند حجت‌الاسلام لواسانی که هزینه داده‌اند، در این زمینه پیش بروند. خود مردم‌نگاری یک ژانر از علوم اجتماعی است، تا همین جا هم که نسبت به سایر علمای دارای مسئولیت، نسبت به تجربه‌نگاری دوران مسئولیت خود اقدام کردند، غنیمت است و گام رو به جلویی محسوب می‌شود.

فساد ذاتاً سیاسی است و ارتباط تنگاتنگی با قدرت دارد

حجت‌الاسلام سیدسعید لواسانی، نیز در این نشست گفت: امیدوارم کتاب «فراقب فساد؛ تمرینی در حکمت عملی» را بخوانید و نقد کنید. این روزها نیز کتاب «من یک شورش هستم» را در دست نگارش دارم که امیدوارم به نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال بعد برسد. در این کتاب بحث تاریخی فساد را نیز مطرح کرده‌ام، هر چند که نمی‌توانستم وارد برخی از موضوعات بشوم. در موضوع فساد اجازه مصداقی بحث کردن را نمی‌دهند. با این اوصاف اعتقاد دارم در جاهایی باید صریح‌تر وارد شد و حرف‌ها را جدی‌تر مطرح کرد. وی افزود: کتاب «فراقب فساد؛ تمرینی در حکمت عملی» تمرینی در حکمت متعالیه است. من طلبه فلسفه بودم. ما در حوزه علمیه وقتی وارد این مباحث می‌شویم، کلیات محض تحویل مردم می‌دهیم که کسی نمی‌تواند آن را فهم کند. اما در نهایت حکمت عملی به کمک ما آمد. در اسلام بعد از فارابی این حکمت عملی به محقق رفت. عقلانیت عملی است که این را مطرح می‌کند، اگر شناخت نداشته باشیم، نمی‌توانیم مطرح کنیم.

حجت‌الاسلام لواسانی ادامه داد: در کتاب «فراقب فساد؛ تمرینی در حکمت عملی» تلاش کردم اثبات کنم که فساد ذاتاً سیاسی است و ارتباط تنگاتنگی با قدرت دارد. فساد با مشارکت گروهی انجام می‌شود؛ البته فساد شخصی هم داریم، اما اینها مسئله ما نیست، فساد سیاسی مدنظر ماست. اگر مقابله نکنیم، تاییدی بر حضور ضدانقلاب در جمهوری اسلامی است. فساد بر دو نوع است؛ اختلاس، رشوه دادن، زمین‌خواری، کوه‌خواری و... که فساد آشکار است، اما فساد پنهان حضور سرمایه‌داری مدرن در داخل جمهوری اسلامی است. در واقع اولی برآیند دومی است و برای کشور مشکل ایجاد می‌کند. باستی هیلز فساد نیست، اما حضور سرمایه‌داری فساد است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ضرورت سیاسی دین امر فساد، گفت: تلاش کردم تا در کتاب نشان دهم که باید با حکمت و عقل عملی وارد موضوع فساد شد و آن را امر سیاسی دید. فساد اختلال در نظم سیاسی و اقتصادی است. این اختلال همراه با عنصر قدرت است. فساد هیچگاه روبه‌روی کسی که با آن مبارزه می‌کند، نمی‌ایستد بلکه کسانی را می‌خرد تا از پشت سر به شخص حمله کنند. پس از ماجرای لواسانات اولین جمله به من از شهر قم و توسط عده‌ای طلبه انجام شد. فساد اصالتاً امر سیاسی است که در جای‌جای این کتاب سعی کردم این نکته را بیان کنم و نشان بدهم. شاید آن انسجامی که برخی از دوستان توقع دارند، در کتاب به چشم نمی‌خورد، چرا که فعلاً در مسیر

هستیم و به تدریج کار کامل می‌شود.

فساد رفاقت شیطنی ایجاد می‌کند

حجت‌الاسلام لواسانی در بخش دیگری از سخنان خود به فصل‌بندی کتاب اشاره کرد و ادامه داد: مطالب کتاب در دو قسمت بیان شده است. برخی از مطالب اصل بود، اما تصمیم گرفتم آنها را اصل قرار نداده و برای مطالعه بیشتر به آنها ارجاع دهم. نمونه‌هایی عملی بود که با آنها درگیر بودیم که در جای‌جای کتاب آورده شده است. بخش دوم نیز مطالب تئوری و نظری طرح شده است.

وی اضافه کرد: فساد رفاقت شیطنی ایجاد می‌کند و این نوع رفاقت خیلی هم برد دارد. سعی کردم در کتاب، راهکارهایی را هم بیان کنم. جدا از راهکار منفعلانه، راهکار فعالانه و پیشگیرانه درست است. من نقش مردم را پررنگ کردم. برای مبارزه با فساد مهم‌ترین نقش، نقش مردم است. قانون نیز باید اصلاح شود و شفاف و دقیق باشد. مجری قانون نباید ضعیف باشد. ما باید حلقه میانه باشیم و مردم را به وسط میدان بیاوریم. اگر مردم بیدار شوند، به میدان می‌آیند و فساد را از بین می‌برند. ما مردم را از این عرصه بیرون کرده‌ایم که باید حضور مردم جدی باشد.

مولف کتاب «فراقب فساد؛ تمرینی در حکمت عملی» افزود: ان‌شاءالله خدا توفیق بدهد و کتاب به چاپ‌های بعدی برسد و اگر اشکالی هم وجود دارد، رفع شود. امیدوارم دیگران هم در این زمینه کار کنند، چون مشکلات زیادی در زمینه فساد وجود دارد.

در عرصه فسادستیزی اگر مطالبه باشد، مسئولان بهتر عمل خواهند کرد

همچنین مهدی محمدی، مدیر مسئول نشر معارف در این نشست گفت: با گذاشتن در این عرصه و حتی مطرح کردن آن، بسیار سخت است، اما حجت‌الاسلام سیدسعید لواسانی علی‌رغم پیچیدگی‌های خاص این عرصه وارد آن شد. نمی‌شود سیستم را از فساد بری دانست، بیان این موضوع سختی‌های خودش را داشت. نکته مهم این است که از زبان کسی که خودش دیده و شنیده موضوع فساد را می‌شنویم و نویسنده عمل‌گرای خود را هم بیشتر نشان داده است. برکت کار در این است که حاج‌آقا لواسانی میدانی رفتار کرد و نشان داد که فسادستیزی چگونه مطرح می‌شود. در این عرصه با گذاشتن سختی‌های خاصی دارد. وی افزود: امیدوارم بتوانیم گام‌های مؤثرتری در این عرصه برداریم. موضوع فساد اگر به درستی روایت نشود، هم دشمنان و هم دوستان غافل سوءاستفاده خواهند کرد. «فراقب فساد» شروع یک کار جدید بود و شکی نیست که باید به این عرصه ورود جدی داشته باشیم، چرا که این عرصه خالی از منابع است. باید بپذیرید که این دوستان شیطنی به سمت شما سرازیر خواهد شد، ولی وقتی مردم ببینند که کسانی هستند که دارند با فساد مقابله می‌کنند، دلگرم می‌شوند.

محمدی بیان کرد: کسی مانند حجت‌الاسلام سیدسعید لواسانی داد می‌زند و در برخی از جاها تریبون مردم می‌شود که ارزشمند است. یکی از فلسفه‌های نماز جمعه این است که فساد دولتمردان را داد بزنند. تا کی می‌خواهیم فاصله بین امام جمعه و مردم را افزایش بدهیم. مردم با دیدن چنین رویکردهایی خوشبین می‌شوند. چنین رویکردهایی می‌تواند یک مطالبه جدی راه بیندازد. امیدوارم نشر معارف در این حوزه مؤثر عمل کند. در عرصه فسادستیزی اگر مطالبه باشد، مسئولان بهتر عمل خواهند کرد.

کتاب فراقب فساد نیاز به مطالبه‌گری را بیان می‌کند

همچنین محمدامین سلیمی، به عنوان دبیر نشست نیز گفت: یک نسبت ۶ ضلعی در مورد فساد در کتاب ترسیم شده است. من فهمی از مبارزه با فساد در کشور دارم که تعریف خودم است، اساساً تعریف ما از فساد و مبارزه با فساد ناقص است. فساد یک امر مشارکتی و گاهی ناکارآمدی است. وی چند خاطره از فضای کاری خویش بیان کرد و افزود: کتاب «فراقب فساد؛ تمرینی در حکمت عملی» از این جهت مهم است که نیاز به مطالبه‌گری را بیان می‌کند.



پژوهش باید از مسیر عدالت‌گذر کند

حسین علیزاده

مدیر اندیشکده دین و حکمرانی گفت: عدالت در مسئله‌یابی و مسئله‌محوری از سوی اندیشکده‌های پژوهشی بسیار مهم است و مسئله‌ای هم که در دستور کار قرار می‌گیرد، باید مشکلات بخش جدی از مردم را نمایندگی کند.

حسین علیزاده که به‌صورت تلفنی با برنامه در مسیر اندیشه همراه بود، با اشاره به ضعف پاسخ و حل مسئله از سوی اندیشکده‌ها اظهار کرد: بخشی از این مسئله به ساختار اندیشکده‌ها بازمی‌گردد.

در حوزه ساختار باید شورای علمی وجود داشته باشد تا به مسئله‌یابی منجر و آن را به‌صورت منسجم پیگیری کند. وی افزود: در برخی ساختارها مبنای فکری وجود ندارد چراکه این مبنا باید با بنیان‌های بومی و فرهنگی ایران به تحلیل مسائل منتج گردد و در پاسخ نیز باید شاهد انسجام مبتنی بر معانی باشیم.

حل مسئله از جنس عقل عملی است و راهکارهای ارائه شده نیز ناظر بر جهان‌بینی می‌باشد؛ در ساختار اندیشکده‌ها اما فاقد این بخش هستیم و از این‌رو پاسخ‌ها منسجم نیست.

علیزاده ادامه داد: در مسئله‌یابی و مسئله‌محوری بحث عدالت بسیار مهم است و مسئله‌ای هم که در دستور کار قرار می‌گیرد، باید مشکلات بخش جدی از مردم را نمایندگی کند.

وی از دو نوع ورود مسئله به اندیشکده‌ها و بررسی آن یاد کرد که نخست بر اساس دغدغه‌فعالان حاضر در اندیشکده گردآوری می‌شود.

مثلاً اگر دغدغه‌ای ناظر بر عدالت‌محوری وجود داشته باشد، اندیشکده به‌صورت فعال به سمت ذی‌نفعان رفته و مسائل را پاسخ می‌دهند. برخی دیگر از اندیشکده‌ها، مسائل مورد سفارش دستگاه‌ها را دریافت کرده و پاسخی باب میل آن نهاد و یا ناظر بر مبانی، ارائه می‌دهند.

علیزاده با طرح مثالی ادامه داد: اندیشکده دین و حکمرانی ظرف چند سال، روی بحث حکمرانی تعلیم و تربیت کودکان متمرکز شد که مسئله مهمی بود. ۷ میلیون کودک ایرانی وجود دارد که با در نظرگیری والدین، شاهد ۲۸ میلیون ذی‌نفع هستیم.

در این راستا فاقد نهاد مرتبط بودیم که مسائل کودکان را سامان دهد؛ البته سازمان تعلیم‌وتربیت کودک تأسیس شد و برای اولین‌بار بعد از انقلاب شاهد نهادی بودیم که تنظیم‌گری مسائل کودکان را در اختیار بگیرد.

وی افزود: اگر مسئله ما عدالت باشد، از میان ۷ میلیون کودک، حدود ۱۰ درصد یعنی ۷۰۰ هزار نفر با مسئله پیش دبستانی روبه‌رو هستند ولی برای ۹۰ درصد دیگر این مسئله پاسخی ندارد.

اما اندیشکده‌ای که مبتنی بر انسجام فکری پیش می‌رود، دستور کار جدیدی را مطرح خواهد کرد. یعنی به خانواده‌محوری و توانمندی مادر در اساس‌نامه این سازمان می‌نگرد و از این‌رو اندیشکده به خدماتی توجه می‌کند که باید به مادران و خانواده کودک، در حوزه حکمرانی ارائه گردد.

همین مسئله آغاز دستور کاری خواهد بود که مبتنی بر نظام تعلیم‌وتربیت و تنوع‌بخشی است تا بتوان عدالت در دسترس را به شیوه‌های مختلف ایجاد نمود. وی همچنین تأکید کرد معمولاً مدیران طرح‌هایی دوساله ارائه می‌دهند و بسیاری مسائل اساسی و بنیادین کشور با تغییر دولت‌ها، با تغییروتحول مدیریت و سلیقه‌ها روبه‌رو خواهد شد.

«من شیرین ابوعاقله هستم» به بازار نشر رسید



فلسطینیان را به سراسر جهان عرب منتقل می‌کرد و موجب پیوند دوباره فلسطینیان جداشده از هم شد. این کتاب ترجمه‌ای از یک اثر واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از مقالات، روایات و اخبار منتشرشده در مورد زندگی و شهادت این خبرنگار برجسته است که منابع معتبری همچون مؤسسه مطالعات فلسطین، نیویورک تایمز، واشنگتن پست و الجزیره به آن اعتبار داده‌اند. این اثر علاوه بر بازتاب چهره خبرنگاری شجاع، ابعاد انسانی و اجتماعی از فعالیت‌های او را نیز برای خوانندگان تبیین کرده و به بیان جزئیات شهادت و وقایع مرتبط با او می‌پردازد.

کتاب «من شیرین ابوعاقله هستم»، با تمرکز بر زندگی، حرفه و شهادت این خبرنگار فلسطینی برجسته الجزیره، به ترجمه شهریار شفیع و توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شد. این اثر به جنبه‌های مختلف زندگی شیرین ابوعاقله، از خبرنگاری در خط مقدم جنگ تا شهادت او، می‌پردازد. این اثر که توسط شهریار شفیع تحقیق و ترجمه شده است، عنوان دیگری از مجموعه «نج تو جاریست» بوده و به اهمیت فعالیت‌های این خبرنگار جنگ و شهادت او می‌پردازد. شیرین ابوعاقله از سال ۱۹۹۷ به عنوان یکی از نخستین خبرنگاران زن الجزیره، در کنار ولید العُمَری و تیمی کوچک در دفتر الجزیره در فلسطین، فعالیت خود را آغاز کرد. گزارش‌های میدانی او، صدای

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۰۵۲۱۸ - ۰۹۹۳۱۳۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۰۵۲۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



روابط جمهوری اسلامی ایران و نظام سوریه

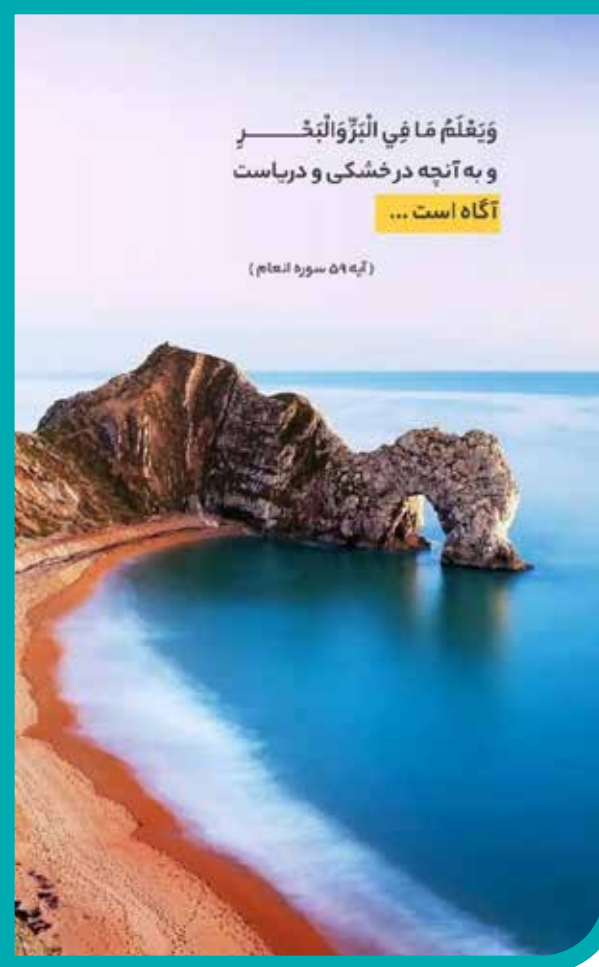
شاه وقتی که اسد به تهران می‌آید قول می‌دهد که ما موضع بهتری در مورد فلسطین داریم. این متناقض به نظر می‌آید با موضع عمومی شاه و نزدیکی استراتژیکش به اسرائیل در آن موقع. اگر می‌شود در این مورد توضیح دهید.

سایه سرودر اسکار

در این انیمیشن، فرم نه تنها در خدمت محتواست، بلکه با آن در هم تنیده شده و اثری خلق کرده است که هم از نظر بصری جذاب و هم از نظر احساسی تأثیر گذار است.

1

4



وَيَقْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ
و به آنچه در خشکی و دریاست
آگاه است ...
(آیه ۵۹ سوره انعام)

وقتی خانم‌ها «تنبیه» می‌شوند!

شیوانوروزی

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال این توانایی را دارد هر بار که آرای جدید صادر می‌کند همه را شوکه کند، از اهالی این رشته گرفته تا مردم. در تازه‌ترین اقدام و در سند منتشر شده در سایت فدراسیون مشخص است حضور بانوان در ورزشگاه‌ها از این پس به‌عنوان یکی از موارد تنبیهی علیه تیم‌های متخلف استفاده می‌شود و باید به این رویه عادت کرد!

از درآمدهای میلیاردری کمیته انضباطی که بگذریم، می‌رسیم به موارد مندرج در آیین‌نامه انضباطی. روز گذشته وقتی آرای انضباطی در خصوص تیم‌های استقلال و فولاد خوزستان منتشر شد، یک جریمه بیش از همه به چشم آمد؛ کاهش ۵۰ درصدی تماشاگران ورزشگاه و صرفاً حضور تماشاگران خانم. بادر نظر گرفتن سند منتشر شده در سایت فدراسیون، گویا این مورد در ماده ۸۶ لحاظ شده و در جدول مربوط جزئی از تنبیهات تیم‌ها محسوب می‌شود. با اینکه بعد از دیدار سپاهان - پرسپولیس حضور پر تعداد بانوان در ورزشگاه بازتاب خوبی داشت، اما از این مسئله به هیچ‌وجه نباید سوءاستفاده یا سوء برداشت شود. تخلف بازیکنان، مربیان و تیم‌ها باید با جدیت بررسی و طبق قوانین با آنها برخورد شود، منتها در این مسیر نباید به مردم آدرس غلط داد و از برخی مسائل استفاده ابزاری شود. تخلفات انضباطی دو تیم سپاهان و پرسپولیس باعث شد برای اولین بار در تاریخ لیگ برتر، یک دیدار مهم تنها با حضور تماشاگران خانم برگزار شود. باتوجه به جو خوب حاکم در ورزشگاه، تشویق‌های پر شور هواداران خانم حساسی به چشم آمد و حتی اینفانتینو نیز واکنش مثبتی به آن نشان داد، با این حال تبدیل کردن این حضور به احکام انضباطی و تنبیهی، در واقع تلقی نادرستی است و به‌نوعی توهین به بانوان محسوب می‌شود.

تماشای بازی‌های فوتبال در ورزشگاه‌ها آرزویی بود که با

همه سختی‌ها و چالش‌ها به حقیقت تبدیل شده، اگرچه در این مسیر هنوز هم مشکلاتی وجود دارد ولی بخش زیادی از آن مرتفع شده و حتی مراجع بین‌المللی نیز نمی‌توانند بهانه‌تراشی کنند. حالا که به این شرایط رسیده‌ایم، گویا مسئولانی که در کنترل حواشی و جنجال‌های بازی‌ها عاجز مانده‌اند، به‌جای اعتراف به این ضعف خود قصد دارند از حضور بانوان به‌عنوان چماقی علیه متخلفان استفاده کنند. در سال‌های گذشته بارها تأکید شده حضور خانوادها در ورزشگاه‌ها فرصتی است که می‌توان از آن برای به حداقل رساندن حواشی و جنجال‌ها روی سکوها استفاده کرد. طبق معمول آقایان در انجام این وظیفه نیز رفوزه شده‌اند و حواشی فوتبال چه داخل زمین و چه خارج زمین نه‌تنها کاهش نیافته بلکه روند افزایشی نیز داشته است. از حکم جدید کمیته انضباطی اینگونه می‌توان برداشت کرد که بعد از بی‌تأثیر بودن اعمال جریمه نقدی میلیاردری، این کمیته به زنانه کردن سکوها به‌عنوان جریمه تیم‌های متخلف روی آورده است. آیا مجازات تیم فولاد خوزستان یا هر تیم دیگری که هواداران منتسب به آن بدرقتاری و پرتاب مواد آتش‌زا، بطری، لیزر و نارنجک داشته‌اند، برگزاری یک بازی صرفاً با حضور تماشاگران خانم است؟ تیم‌های فوتبال با آن همه مشکل، جنجال و کیفیت پایین بازی‌هایشان، باید به داشتن هوادار خانم افتخار کنند، نه اینکه هر وقت تخلف کردند و بطری و نارنجک به زمین انداختند، آقایان یاد هواداران خانم بیفتند. تکنیک جنسیتی راه منطقی و عقلانی برای کنترل جرائم رخ داده روی سکوها نیست و بهتر است به جای زیر سؤال بردن شأن و جایگاه بانوان، از مدیران کاربلد و حرفه‌ای استفاده شود تا موضوعات مهمی از این دست را مستمسک سوءمدیریت‌های خود نکنند.

محراب دواسری طلایی شد



در پایان رقابت‌های گروه A دسته ۶۷ کیلوگرم مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی نوجوانان و جوانان آسیا، محراب دواسری که در گروه B وزنه ۱۶۰ کیلوگرمی را مهار کرده بود، بالاتر از سایر مدعیان به مدال طلای دوزرب رسید و با حدنصاب ۲۸۳ کیلوگرم، در مجموع نیز روی سکوی نایب قهرمانی آسیا ایستاد و صاحب مدال نقره شد.

دواسری همچنین سه رکورد نوجوانان ایران و دو رکورد دوزرب و مجموع جوانان ایران را در دسته ۶۷ کیلوگرم به نام خود ارتقا داد.

کاریدو هم گرفتار سندروم مسرفسنجان شد!



باشگاه پرسپولیس امروز به‌طور رسمی جدایی خوان کارلوس گاریدو را اعلام کرد تا سومین سرمربی سرخ‌ها در یک سال اخیر هم از این تیم جدا شود.

نکته جالب در خصوص هر ۳ سرمربی اخیر پرسپولیس این است که آخرین تجربه آن‌ها روی نیمکت سرخپوشان در جدال با مسرفسنجان رقم خورده و پرسپولیس پس از هر ۳ بازی اخیرش مقابل این تیم مجبور به تعویض مربی شده است!

صعود به جام جهانی نیازمند همکاری باشگاه‌هاست

دنیاحیدری



پشت کردن آنها به این تیم در بزنگاه‌های حساس است: بی‌شک از فدراسیون انتظار برگزاری اردوهای تدارکاتی و بازی‌های دوستانه مفید را دارم. اما مهم‌تر از برگزاری اردوها و بازی‌های تدارکاتی، تأمین بازیکنان است؛ موضوعی که مسئولیت آن با فدراسیون است و انتظار می‌رود تمرکز خوبی روی آن داشته باشد، اما در واقع این باید دغدغه همه باشد، نه فقط سرمربی تیم ملی یا فدراسیون فوتبال چراکه برای موفقیت تیم ملی، همه باید همکاری کنند.

شرایط، اما باعث شد عبدی نفراتی را با خود با اردوی چین ببرد که برای نخستین بار حضور در اردوی خارج از کشور را تجربه می‌کردند. قرار بود تیم جوانان سه روز قبل از نخستین بازی در چین حضور یابد، اما مشکلاتی، چون کمبود زمان برای هماهنگی سفر تیم جوانان را یک روز به تأخیر انداخت؛ سفری ۲۱ ساعته که باعث شد عبدی در همان آغاز راه دو بازیکن را به دلیل سرماخوردگی در اختیار نداشته باشد. باوجود این، اما حضور نفرات جدید در اردو، اتفاقات خوبی را رقم زد. تجربیات گرانبهایی برای بازیکنان، به خصوص آنها که نخستین حضورشان در اردوی خارجی تجربه می‌کردند داشت که بی‌شک می‌تواند در آینده و مصاف‌های بین‌المللی تأثیر قابل توجهی داشته باشد. اما مهم‌ترین مسئله برگزاری بازی دوستانه با تیمی بود که نفرات آن حدود ۲/۵ سال از بازیکنان تیم جوانان ایران بزرگ‌تر بودند. دلیل انتخاب چنین حریفی این بود که حسین عبدی نمی‌خواهد تیم جوانان ایران صرفاً یک شرکت‌کننده در جام‌ملت‌ها باشد و هدفش تأثیرگذار بودن و کسب نتیجه‌است، به همین دلیل هم قصد دارد از همین ابتدا به شاگردانش چنان سخت بگیرد که توان مدیریت بحران و کسب نتیجه را داشته باشند. شاید به همین دلیل هم بود که عبدی حتی از قضاوت پرایراد داور هم شاکی نبود: «قضاوت پرحرف و حدیث داور و همچنین نحوه بازی فیزیکی حریف که مصدومیت جدی دو بازیکن ما را به دنبال داشت باعث شد تیم هم به لحاظ روحی و هم میزان جنگندگی تقویت شود و این یک تجربه عالی بود.»

باوجود این، اما هنوز هم جدی‌ترین دغدغه سرمربی جوانان ایران عدم همکاری باشگاه‌ها

کمتر از دو ماه دیگر تیم ملی فوتبال جوانان ایران برای حضور در مسابقات زیر ۲۰ سال آسیا راهی شن‌ژن چین می‌شود، به همین دلیل هم بود که حسین عبدی برنامه اردویی یک‌هفته‌ای در شهر هایکوی چین برای شاگردانش تدارک دیده بود؛ اردویی تدارکاتی و دیدار دوستانه با تیم المپیک چین که بی‌شک می‌تواند تأثیر قابل توجهی در روند آماده‌سازی یاران عبدی جهت حضور در رقابت‌هایی داشته باشد که از ۱۸ بهمن‌ماه آغاز می‌شود؛ مسابقاتی که تیم فوتبال جوانان ایران به همراه اندونزی، یمن و ازبکستان در گروه C آن قرار دارد.

عبدی امیدوار بود در این اردو تمام نفرات خود را در اختیار داشته باشد و بعد از رایزنی‌هایی که رئیس فدراسیون فوتبال با مدیران باشگاه‌های لیگ برتری داشت، بتواند با تمام بازیکنانی که مدنظر دارد، راهی چین شود، اما باز هم برخی باشگاه‌ها دست او را در پوست گردو قرار دادند و از همکاری سر باز زدند! حال آنکه سرمربی تیم جوانان ایران بارها به اهمیت حضور تمام نفرات در اردوها جهت دستیابی به اهداف پیش رو اشاره کرده بود: «متأسفانه باوجود تمام تلاش‌ها، در آخرین اردوی تیم جوانان همانند دوره‌های قبل با عدم همکاری باشگاه‌ها مواجه شدیم، به طوری که نتوانستیم حدود ۹ بازیکن از فهرست اولیه را با خود به چین ببریم و کار تاجایی پیش رفت که بحث لغو اردو هم مطرح شد، اما اهمیت بازی‌های بزرگ دوستانه و تعامل بین فدراسیون‌ها و لزوم محک فنی تیم باعث شد فرصت را مغتنم بشمریم و باوجود در اختیار نداشتن تمام نفرات راهی چین شویم.»